

پژوهشهای حقوقی

شماره ۱۷

هزار و سیصد و هشتاد و نه - نیمسال اول

مقالات

توصیف خواسته در قانون و رویه قضایی • اصول بنیادین حاکم بر کنوانسیون ارتباطات الکترونیکی
آنسیترال • مؤلفه‌های امنیت اجتماعی در قوانین کیفری • شناسایی در حقوق بین‌الملل: آثار حقوقی
شناسایی کوزوو، اوستیای جنوبی و آبخازیا • اصول حاکم بر تعارض ادله اثبات دعوا • جلوه‌های
حقوق بین‌الملل کیفری در خاورمیانه؛ از محاکمه صدام تا محاکمه عاملان ترور رفیق حریری

موضوع ویژه: بورس اوراق بهادار در حقوق ایران و کشورهای دیگر

مبانی و اصول تعهد به دادن اطلاعات در بورس • مطالعه تطبیقی ممنوعیت‌های دارندگان اطلاعات
نہانی در رابطه با معاملات اوراق بهادار • تحلیل جرم معامله متکی بر اطلاعات نہانی • مبارزه با
تقلب در بازارهای اوراق بهادار؛ نگاهی به نظم حقوقی بازار اوراق بهادار در ایالات متحد آمریکا •
بررسی آراء قضایی صادره در خصوص معامله اوراق بهادار با استفاده از اطلاعات نہانی • مسؤولیت
مدنی کارگزاران بورس و فرایند طرح دعاوی مرتبط در مراجع صالحه • مسؤولیت کارگزاران در
معاملات فضولی اوراق بهادار با تکیه بر رویه هیأت داوری • نقش صکوک در تأمین مالی پروژه‌ها و
تأملی بر قوانین و مقررات حاکم بر آن • داوری اختلافات در بازار اوراق بهادار • ماهیت حقوقی و
صلاحیت‌های هیأت داوری بازار اوراق بهادار • قواعد حاکم بر تشکیل شرکت‌های سهامی عام در پرتو
قانون بازار اوراق بهادار • آثار حقوقی الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت بر خدمات بورس
اوراق بهادار • ادغام فرامرزی بازارهای بورس سهام و اوراق بهادار: توهم یا واقعیت؟

نقد و معرفی

ملاحظات پیرامون «نظریه مشورتی کوزوو» • بررسی جرم تجاوز در کنفرانس بازنگوری اساسنامه
دیوان کیفری بین‌المللی • نقدی بر قانون جدید بیمه اجباری مسؤولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه
• علائم تجاری غیرسنتی • قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت: بازتابی نبرد حق و قدرت در جهان
نامتحد • ششمین دوره مسابقات شبیه‌سازی دیوان کیفری بین‌المللی





http://jlr.sdil.ac.ir/article_40932.html

مجله پژوهش‌های حقوقی (علمی - ترویجی)، شماره ۱۷، نیمسال اول ۱۳۸۹
صفحات ۱۱۵ الی ۱۴۴، تاریخ وصول: ۱۳۸۹/۵/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۶/۲۵

شناسایی در حقوق بین‌الملل: آثار حقوقی شناسایی کوزوو، اوستیای جنوبی و آبخازیا

سید یاسر ضیایی*

چکیده: با اعلام استقلال یکجانبه پارلمان کوزوو در ۱۷ فوریه ۲۰۰۸، تابعان جامعه بین‌المللی واکنش‌های متضادی از خود بروز دادند که از اعلام حمایت رسمی و برپایی سفارت در پریشینا پایتخت کوزوو تا محکومیت آن و تحریم کوزوو در نوسان بوده است. یکی از اشکال ابراز حمایت از اعلامیه‌های استقلال شناسایی آن است. تا به امروز (دسامبر ۲۰۱۰) تعداد ۷۲ کشور کوزوو را شناسایی کرده‌اند^۱ (۶۹ کشور عضو سازمان ملل متحد و تایوان) و معدودی کشور نیز صریحاً استقلال کوزوو را به رسمیت نشناخته‌اند^۲. بقیه کشورها در میان این دو سر طیف قرار دارند. پس از جنگ ۲۷ اوت ۲۰۰۸ در گرجستان نیز با شناسایی دو استان خودمختار گرجستان یعنی اوستیای جنوبی و آبخازیا توسط روسیه و سپس نیکاراگوئه مواجه بودیم. اینکه جایگاه شناسایی در حقوق بین‌الملل کجاست و شناسایی یا عدم شناسایی دارای چه آثار در ارتباط با وضعیت کوزوو، اوستیای جنوبی و آبخازیا است موضوع بحث این نوشتار است. این مقاله با ارائه

* دانشجوی دوره دکترای حقوق بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی

^۱ همچنین دو کشور بنگلادش و قطر تمایل خود را برای شناسایی اعلام کرده‌اند.

^۲ همچنین بعضی نهادهای بین‌المللی کوزوو را به رسمیت شناختند. صندوق بین‌المللی پول اعلام کرد استقلال کوزوو از صربستان را به رسمیت می‌شناسد و در حال حاضر به بررسی عضویت آن می‌پردازد. همچنین پارلمان اروپا در ۳۰ مه ۲۰۰۸ استقلال کوزوو را به رسمیت شناخت. سازمان کنفرانس اسلامی ضمن شناسایی ضمنی کوزوو، شناسایی رسمی را به اعضا محول نمود که تا به حال ۱۰ کشور از ۵۷ کشور عضو کوزوو را شناسایی کرده‌اند. همچنین اتحادیه اروپا و سازمان همکاری و امنیت اروپا این امر را به اعضا محول کرده‌اند که به ترتیب ۲۰ کشور از ۲۷ کشور اتحادیه اروپا و ۳۱ کشور از ۵۶ کشور عضو سازمان همکاری و امنیت اروپا کوزوو را شناسایی کرده‌اند. کمیته بین‌المللی المپیک نیز کوزوو را با شروطی شناسایی کرده است. همچنین کوزوو درخواست عضویت در بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول را به این سازمانها تسلیم نموده است.

Available at: <http://www.kosovothanksyou.com/>

و معرفی «دکترین بینابین» به شناسایی و اعمال آن در سه وضعیت مذکور، به حل اختلافات مربوط به پراکنش شناسایی کشورها برآمده است.

کلیدواژه‌ها: شناسایی، شخصیت حقوقی بین‌المللی، حقوق بین‌الملل، شرایط تشکیل کشور، کوزوو، اوستیای جنوبی، آبخازیا

مقدمه

حقوق بین‌الملل حقوق حاکم بر روابط میان بازیگران جامعه بین‌المللی است. این بازیگران برای داشتن اهلیت نقش‌آفرینی در این جامعه باید پیش از هر چیز به عنوان بازیگر شناخته شوند. اینکه چه موجودیتی «کشور» است از سؤالات بسیار مهمی است که اکثراً از کنار آن به سادگی گذر می‌کنند. برخی تحولات اخیر در سطح بین‌المللی تأثیر بسزایی بر حقوق بین‌الملل دارند. اعلام استقلال کوزوو و متعاقب آن شناسایی آن از سوی کشورها و شناسایی اوستیای جنوبی و آبخازیا، از سوی برخی کشورها نقاط ابهام در نظریات مربوط به اعلامی بودن یا تأسیسی بودن شناسایی را زنده می‌کند.

امروزه مسلم است که شناسایی تنها عملی سیاسی تلقی نمی‌شود و آثاری حقوقی با خود به همراه می‌آورد. از جمله آثار حقوقی شناسایی در روابط داخلی و بین‌المللی کشور شناسایی‌کننده عبارت است از: اعتبار حقوقی قوانین مصوب در کشور شناسایی‌شده برای استناد به آن در دادگاههای داخلی کشور شناسایی‌کننده، امکان اجرای قوانین واحکام دادگاههای کشور شناسایی‌شده در کشور شناسایی‌کننده، امکان مطالبه دیون خارجی هر دو کشور از یکدیگر، ایجاد زمینه برای برقراری روابط دیپلماتیک و کنسولی در سرزمین یکدیگر، امکان طرح دعاوی بین‌المللی دو کشور نسبت به یکدیگر در مراجع بین‌المللی بر مبنای تعهدات دوجانبه، عدم امکان مصادره اموال دولتی کشور شناسایی‌شده در کشور شناسایی‌کننده بدون توجیه قانونی^۳، ایجاد قابلیت‌های حقوقی جهت انعقاد موافقتنامه با کشور شناسایی‌شده و پذیرش تعهدات مختلف در قبال یکدیگر و طرح مسئولیت بین‌المللی در صورت نقض این تعهدات، پذیرش تابعیت اتباع هر دو کشور توسط یکدیگر و صدور گذرنامه و روادید برای آنها، امکان طرح حمایت دیپلماتیک کشور شناسایی‌شده از اتباع خود در دعاوی علیه کشور شناسایی‌کننده، طرح مصونیت برای هیأت دیپلماتیک و سران حکومت و اعمال حاکمیتی کشور شناسایی‌شده در قبال کشور شناسایی‌کننده^۴، غیرقانونی بودن مصادره اموال اتباع کشور شناسایی‌کننده توسط کشور شناسایی‌کننده بدون رعایت شرایط حقوقی آن، امکان شرکت در فرایند تشکیل قاعده عرفی بین‌المللی به عنوان یک تابع فعال حقوق بین‌الملل همراه با کشور شناسایی‌کننده.

3. See *Cia. Minera Ygnacio Rodriguez Ramos, S. A. v. Bartlesville Zinc Co.* (1925, Tex.) 275 S. W. 388. (Mexico), *Williams v. Bruffy* (1877) 96 U.S. 176, 186 (United States), *Russian Reinsurance Co. v. Stoddard* (1925) 240 N.Y. 149, 147 N.E. 703; (Russia).

4. See *Infra* not. 49.

۱- معیار شناسایی: حاکمیت یا مشروعیت؟

هواداران رویکرد تأسیسی بودن شناسایی، طرفدار معیار مشروعیت برای شناسایی یک کشور هستند. در این نگرش تا زمانی که استقلال کشور مشروعیت نداشته باشد حتی اگر بتواند حاکمیت مؤثر اعمال نماید قابل شناسایی نیست.^۵ دلیل این امر هم این است که حقوق بین‌الملل برای نظم‌دهی روابط میان کشورها تلاش می‌کند و به عبارت دیگر از ایده مشهور اسپینوزا که می‌گوید «هرکس به همان اندازه حق دارد که قدرت دارد» می‌گریزد. مشروعیت بیان دیگری از این نظم‌دهی است. مورد کنگو نیز مؤید این امر است که علی‌رغم فقدان حاکمیت در آن، در سال ۱۹۶۰ صرفاً به دلیل مشروعیت استعمارزدایی به عضویت سازمان ملل متحد درآمد. همین‌طور دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مربوط به رودزیای جنوبی علی‌رغم وجود حاکمیت مؤثر، تشکیل رژیم رودزیای جنوبی را به علت نامشروع بودن غیرقانونی دانست.

از سوی دیگر کاسسه اعتقاد دارد صلاحیت تشخیص مشروعیت یک کشور در توان دیگر کشورها نیست^۶ و از این جهت معیار مناسب برای تشکیل کشور را «حاکمیت مؤثر یا اصل کارآمدی» می‌داند. کنوانسیون مونته‌ویدئو نیز مؤید این نظر است که تنها حاکمیت را به عنوان معیار معرفی می‌کند و به روش اکتساب آن اشاره‌ای ندارد. این نظر از پشتوانه رویه دیوان بین‌المللی دادگستری نیز برخوردار است.^۷ نتیجه پذیرش این نظر پذیرش رویکرد اعلامی به شناسایی است چرا که با حصول حاکمیت مؤثر، کشور به منصفه ظهور می‌پیوندد و دیگر کشورها را حقی در ارزیابی مشروعیت یا نامشروعیت تحصیل آن نیست.

باید توجه داشت دلیل این اختلافات به علت عدم توجه به تفکیک میان شناسایی مشروع یک «کشور» و شناسایی مشروع یک «حکومت» است.^۸ توضیح آنکه آنچه که به عنوان شخصیت حقوقی بین‌المللی دارای اهلیت تمتع و استیفا می‌شناسیم متشکل از دو نهاد کشور و حکومت است. کشور در معنای حقوق بین‌المللی اش باید دارای سه ویژگی جمعیت، سرزمین و حاکمیت

5. See Catriona Drew, "The criteria for statehood in international law are based on the principle of effectiveness not legitimacy", *Centre for International Studies and Diplomacy*, 2003.

6. Antonio Cassese, *International Law*, Oxford University Press, 2003, pp. 12-13.

7. See also Western Sahara, Advisory Opinion, *I.C.J. Reports*, 1975, p 49, paras. 107.

^۸ این اشتباهی بود که شورای امنیت در قطعنامه‌های خود در خصوص عدم شناسایی رودزیای جنوبی به عنوان یک «موجودیت» (entity) بیان می‌دارد در صورتی که باید از کشورها می‌خواست حکومت نامشروع آن را شناسایی نکنند و گرنه برای کشور شدن آنچه اهمیت دارد حاکمیت مؤثر است و مشروعیت به حکومت بر می‌گردد نه حاکمیت. هر چند ظاهراً شناسایی یک کشور و عدم شناسایی حکومت آن تفاوتی با عدم شناسایی آن کشور نمی‌کند اما از نظر تنوری، مسؤولیت بین‌المللی به کشور (شخصیت حقوقی بین‌المللی) بر می‌گردد و نه به حکومت. همین‌طور است در مورد دیگر قواعد عام‌الشمول.

Security Council Resolution 216, (1965).

به نظر می‌رسد شناسایی کشور بدون شناسایی حکومت آن که قادر باشد با کشور شناسایی‌کننده رابطه برقرار کند از نظر کنوانسیون مونته‌ویدئو کشور قلمداد نشود چرا که از نظر این کنوانسیون شرط چهارم برای کشور بودن توانایی برقراری ارتباط با دیگر کشورهاست.

مؤثر باشد و حکومت در معنای حقوق بین‌المللی‌اش باید مشروعیت بین‌المللی داشته باشد. با این تفکیک تعارضی میان دو مفهوم حاکمیت مؤثر^۹ و مشروعیت بین‌المللی نمی‌ماند. دلیل این امر هم آن است که یک گروه خواهان تشکیل کشور با کسب قدرت نظامی و معنوی (مردمی) می‌توانند در روابط بین‌المللی اثرگذار باشند و حتی دست به اعمال متخلفانه حقوقی زنند. لذا پذیرش آنها به عنوان شخصیت حقوقی بین‌المللی که بتواند بار مسئولیت اعمالش را به دوش بکشد به نفع جامعه بین‌المللی خواهد بود؛ در حالی که برای برقراری ارتباط با نماینده این شخصیت حقوقی باید به پاک بودن دستان آن نماینده که حکومت آن است توجه داشته باشیم^{۱۰}.

این دکتربین مورد حمایت رویه بین‌المللی نیز بوده است. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نامیبیا بیان می‌دارد که «کنترل فیزیکی، و نه مشروعیت، مبنای مسئولیت برای اعمال تأثیرگذار نسبت به دیگر کشورهاست»^{۱۱}. دیوان همچنین در این رأی به جدا بودن دو مفهوم شخصیت حقوقی بین‌المللی و برقراری رابطه از طریق شناسایی اشاره می‌کند: «الزام به عدم شناسایی رودزیای جنوبی نافی اصل کارآمدی یا مؤثر بودن^{۱۲} نیست و این موضع بدین معناست که هیچ کشوری (به جز افریقای جنوبی) نمی‌خواست تا زمانی که رودزیای جنوبی از تغییر سیاست داخلی خویش امتناع می‌کند، با آن «رابطه» برقرار کند. از نظر حقوقی سایر دولتها، رودزیای جنوبی را مستعمره انگلیس می‌دانستند. با وجود این، این کشور از حقوق و وظایف دولت مستقل برخوردار بود، هرچند که قادر نبود از اکثر آنها استفاده کند»^{۱۳}.

لذا شناسایی رودزیای جنوبی به عنوان یک کشور به دلیل احراز کنترل کلی یا حاکمیت مؤثر، قانونی و مشروع بوده است^{۱۴} اما آنچه می‌توانست نامشروع باشد شناسایی حکومت نامشروع رودزیای جنوبی بود. به قول آنتونیو کاسسه «عدم شناسایی اعلامیه یکجانبه استقلال اینگونه

^۹ حاکمیت را به دو دسته داخلی و خارجی تقسیم نمود. شبه‌کشورها (quasi states) از حاکمیت داخلی بهره‌مندند اما از حاکمیت خارجی یا منفی بهره‌مند نیستند در حالی که کشورهای ناقص (failed states) از حاکمیت خارجی بهره‌مندند اما حاکمیت داخلی خود را در دست ندارند. نک:

Pål Kolstø, "The Sustainability and Future of Unrecognized Quasi-States", *Journal of Peace Research*, vol. 43, no. 6, 2006, p. 724. Available at: <http://jpr.sagepub.com/cgi/content/abstract/43/6/723>, p. 724.

^{۱۰} در این نگاه شناسایی کشور به علت واقعی بودن مفهوم حاکمیت، اعلامی و شناسایی حکومت به علت اثباتی بودن مفهوم مشروعیت، تأسیسی است.

^{۱۱} *ICJ Rep. 1971*, The Case Concerning South Africa in Namibia, Advisory Opinion p. 54.

^{۱۲} effectivity

^{۱۳} *Ibid.*

^{۱۴} استدلال شده است که شناسایی از سوی کشورهای ثالث، خود گامی در استحکام حاکمیت موجودیت در حال ظهور است. «کشورها به طور انفرادی بازیگرانی با حاکمیت نیستند ... کشورها پس از ایجاد با یکدیگر روابطی برقرار می‌کنند. همینطور مفهوم حاکمیت متضمن یک جامعه کشوری است که بر شناسایی متقابل قرار دارد. وضعیت هر کشوری با کشورهای دیگر در یک روند طولانی مشروعیت‌سازی مشخص می‌شود».

Bridget L. Coggins, *Secession, Recognition and The International Politics of Statehood*, The Ohio State University, 2006, p. 219.

رژیمها توسط دیگر کشورها لطمه‌ای به شخصیت حقوقی آنها نمی‌زند؛ چنانکه در قضیه رودزیای جنوبی نیز همینگونه تفسیر شد.^{۱۵} جهت تعیین حکومت‌های مشروع از نامشروع باید به آرای بین‌المللی و قطعنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی رجوع نمود. طبق حقوق بین‌الملل موجود حکومت‌های استعمارگر، نژادپرست و اشغالگر نامشروعند^{۱۶} و عرفی در حال شکل‌گیری است که حکومت‌های ناقص حقوق بشر نیز نامشروع قلمداد شوند.^{۱۷}

۲- رویکرد منطقی به شناسایی: تأسیسی^{۱۸}، اعلامی^{۱۹} یا بینابین^{۲۰}

نظریه تأسیسی یا ایجاد با حامیانی چون آنزیلوتی، اپنهایم و کلسن از این عقیده حمایت می‌کنند که این عمل شناسایی به وسیله دیگر کشورهاست که یک کشور جدید ایجاد می‌کند و به آن شخصیت حقوقی می‌بخشد و نه فرآیندی که از طریق آن در واقع به استقلال نایل می‌شود^{۲۱} و

^{۱۵} آنتونیو کاسسه، *حقوق بین‌الملل*، ترجمه حسین شریفی طرازکوهی، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۵، ص ۱۰۹.

16. *International Law Commission's Comments on Article 53 of Vienna Convention on Treaty law, ICJ Rep. 1995, The Case Concerning East Timor, ICJ Rep. 1971, The Case Concerning South Africa in Namibia, Advisory Opinion, ICJ Rep. 1975, The Case Concerning West Sahara, Advisory Opinion.* باید توجه داشت چنانچه شناسایی در حمایت از یک وضعیت ناقص حقوق بین‌الملل باشد می‌تواند موجب مسؤلیت گردد.

David Turns, "The Stimson Doctrine of Non-Recognition: Its Historical Genesis and Influence on Contemporary International Law", *Chinese Journal of International Law*, no. 105, 2008, p. 11.

دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نامیبیا بیان داشت که «از نظر دیوان با پایان قیمومت و اعلام غیرقانونی بودن حضور افریقای جنوبی، اعلام مشروعیت این وضعیت که با نقض حقوق بین‌الملل و نقض قواعد عام‌الشمول (erga omnes) محقق شده در تضاد با تعهد کشورهاست».

ICJ Rep. 1971, The Case Concerning South Africa in Namibia, Advisory Opinion, para. 90

تعهد کشورها مبنی بر تلاش برای رهایی مردم تحت استعمار و مردم تحت حکومت‌های نژادپرست که شامل شناسایی این مردمان در اسرع وقت به عنوان یک کشور مستقل می‌شود، تعهدی سخت (hard law) نیست بلکه ناشی از قطعنامه‌هایی چند از مجمع عمومی است که قانوناً لازم‌الاجرا نیستند.

See: G.A. Resolution 2526 (1970), General Assembly Res. 1514 (1960), General Assembly Res. 1541 (1960).

البته به نظر می‌رسد شناسایی یک گروه من باب حق تعیین سرنوشت آنها نه به عنوان یک کشور مستقل بلکه به عنوان یک گروه «مردم بومی» ضروری است چرا که میثاق‌های حقوق بشر که متضمن این حق برای مردم بومی شده‌اند لازم‌الاجرا هستند.

See Patrick Macklem, "Indigenous Recognition in International Law: Theoretical Observations", *Michigan Journal of International Law*, no. 30, 2008; Paul H. Brietzke, "Insurgents in the 'New' International Law", *Wisconsin International Law Journal*, no. 13, 1994; A.W. Harris, *Human Rights and the Mediation of Insurgent Conflict*, Prepared for presentation at the 46th Annual Conference of the International Studies Association, San Francisco, CA, March 26-30, 2008.

^{۱۷} این عرف پس از فجایع بشری در کوزوو در حال ایجاد است. نک: ستار عزیز، «استقلال کوزوو: بررسی

مشروعیت جدایی یکجانبه در حقوق بین‌الملل»، *مجله حقوقی*، شماره ۳۸، سال ۱۳۸۷.

18. constitutive

19. declarative

20. intermediative

21. Ti-Chiangchen, *The International Law of Recognition*, Stevens and Sons Limited, 1951, p. 14.

بنابراین یک کشور شناسایی نشده نمی‌تواند طبق حقوق بین‌الملل، حقوق یا وظایفی داشته باشد. در این نگرش شناسایی به عنوان «عنصر چهارم» تشکیل کشور مطرح می‌شود که بدون آن تجمع دیگر عناصر ناقص خواهد بود. در مقابل گفته می‌شود چون کشور یک پدیده اجتماعی و تاریخی بوده است و مولود قواعد حقوقی نیست، بنابراین به محض اجتماع سه عامل تشکیل‌دهنده آن یعنی جمعیت، قلمرو و قدرت سیاسی، ایجاد خواهد شد.^{۲۲} امروزه نظر اخیر تحت عنوان نظریه اعلامی بودن شناسایی غالب است.^{۲۳} طبق این نظر شناسایی تنها یک عمل سیاسی است و خلق کشورها مسأله‌ای کاملاً جامعه‌شناختی است. چنانچه ماده ۳ از کنوانسیون مونته‌ویدئو بیان می‌دارد: «تولد سیاسی یک کشور مجزا از شناسایی آن از سوی دیگر کشورهاست»^{۲۴}. اما تا زمانی که مسأله کشور بودن یا نبودن یک موجودیت در قالب اختلافی حقوقی مطرح نشده باشد و در یک مرجع بین‌المللی حکمی صادر نشده باشد اختلاف، کماکان باقی می‌ماند.^{۲۵} برای همین خانم مروین جونز معتقد است «از آنجایی که در عمل هیچ مقام بین‌المللی بی‌طرفی وجود ندارد که صلاحیت اعلام شناسایی را داشته باشد چنین اعلامیهایی معمولاً «تأسیسی» یا «موجد» وضعیت حقوقی یا وضعیتهای دیگر به حساب می‌آید»^{۲۶}. اما اینکه چه تعداد از کشورهای جامعه بین‌المللی باید آن را شناسایی کنند تا دیگر تردیدی درباره کشور جدید مطرح نباشد؟ پاسخ به این سؤال آسان نخواهد بود علی‌الخصوص با وجود نمونه‌هایی چون تایوان و کوزوو که جامعه بین‌المللی در قبال شناسایی آنها صریحاً به دو بلوک تقسیم شده‌اند.^{۲۷} ملکم شاو بیان می‌دارد: «یک پیچیدگی دیگر وقتی پیش می‌آید که یک «دولت» مورد شناسایی برخی، و نه همه کشورهای دیگر قرار می‌گیرد. آیا در این صورت می‌توان سخن از شخصیت حقوقی یا شخصیت حقوقی محدود و چیزی جز آن به میان آورد؟»^{۲۸}

^{۲۲} محمدرضا ضیائی‌بیگدلی، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۵، ص ۲۱۳.

^{۲۳} رویه سازمان ملل متحد نیز در رویه‌ای بارز (با شناسایی جمعی کشورها) در جهت تقویت نظریه تأسیسی یا ایجاد است:

Marcelo Kohen, *Secession: International Law Perspectives*, Cambridge University Press, 2006, p. 100.

^{۲۴} Montevideo Convention, Signed 26 December 1933, Hudson, art. 3.

^{۲۵} باید توجه داشت این مسأله به کشورهای پیش از تشکیل سازمان ملل در سال ۱۹۴۵ حداقل به استناد قراردادی شدن مرزها اختلافی وارد نمی‌سازد زیرا وفق این سند کشورهای امضاکننده تمامیت ارضی و تعهد به عدم تعرض به سرزمین یکدیگر را به رسمیت شناختند. دیوان در دعوی چاد و لیبی بیان داشت که توافق بین کشورها قطعی‌ترین سند (حتی نسبت به قاعده *uti possidetis juris*) برای تشخیص حدود مرزهای یک کشور است که حتی با پایان مدت اعتبار توافق از بین نمی‌رود.

^{۲۶} J. Mervyn Jones, *The Retroactive Effect of the Recognition of State and Governments*, Whewell Scholar of International Law in the University of Cambridge, 1935, p. 43.

^{۲۷} دو رویکرد تأسیسی و اعلامی از اشکالات بسیاری رنج می‌برند. برای مطالعه بیشتر، نک:

David Raic, *Statehood and the Law of Self-Determination*, Kluwer Law International, 2002, pp. 33-39.

^{۲۸} ملکم شاو، حقوق بین‌الملل، ترجمه محمدحسین وقار، نشر اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۷۴، ص ۱۶۹.

ما در اینجا می‌خواهیم بگوییم آری. شخصیت حقوقی کشورهای نوظهور در بعضی ابعاد، بنا به واکنش کشورهای ثالث قابل ارزیابی است. بروان‌لی در توضیح شخصیت کشور واتیکان می‌گوید: «به نظر می‌رسد که شخصیت [بین‌المللی] نهادهای سیاسی و مذهبی مانند این نمونه، تنها در ارتباط با کشورهایی که وارد روابط با چنین نهادهایی در سطح بین‌المللی شده‌اند، مطرح است»^{۲۹}. به عبارت دیگر شناسایی تنها عملی یکجانبه است و تعهدی را برای دیگر کشورهای ثالث ایجاد نمی‌کند. بلکه حقوق و تکالیف هر کشوری در ارتباط با کشور مورد اختلاف «دو به دو»^{۳۰} سنجیده خواهد شد.

برای حل این مسأله باید دو دسته قواعد را از هم جدا سازیم. قواعد عام‌الشمول^{۳۱} به خودی خود بر تمام تابعان حاکم است لیکن قواعد خاص‌الشمول^{۳۲} به دلیل ماهیت «دو به دو» آنها تنها در صورتی می‌تواند که و عیله دولت مورد اختلاف و احیاناً دولت ثالث مورد استناد قرار گیرد که در قبال یکدیگر دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی باشند و شرط تامه اخذ شخصیت حقوقی بین‌المللی توسط یک موجودیت جدید، شناسایی آن از سوی کشورهای از پیش موجود است^{۳۳}. البته باید توجه داشت که شناسایی اقدامی یکطرفه نیست و دولت نوظهور هم حق عدم شناسایی دارد^{۳۴}.

با توجه به استدلال‌های مذکور و جهت اجتناب از معایب هر دو رویکرد محض اعلامی و تأسیسی، رویکرد اتخاذی توسط نگارنده وضعیتی «بینابین» و حالتی با طیف اعلامی-ایجادی است. بنابراین حقوق و تکالیفی که قصد و اراده طرفین در آنها ضروری است و به عبارتی ناشی از توافق طرفین است نیاز به شناسایی دارد و شناسایی در این موارد ایجاد خواهد بود؛ از جمله روابط دیپلماتیک، طرح دعوا، انعقاد قرارداد و غیره^{۳۵}. در غیراینصورت، اجتماع علی‌الظاهر^{۳۶} عناصر عینی ایجاد کشور، برای تمتع حقوق و تکالیف عام‌الشمول کفایت می‌کند. حقوقی چون:

29. Ian Brownlie, *Principles of Public International Law*, New York, Clarendon Press, 1998, p. 64.

30. *vis á vis*

31. *erga omnes*

تفکیک میان قواعد عام‌الشمول و خاص‌الشمول منتج از بعضی آرای دیوان بین‌المللی دادگستری است. از جمله، نک:

Barcelona Traction, Light and Power Company Ltd, Second phase, *ICJ Rep. 1970*, p. 32 and Corfu Channel Case, *ICJ Rep. 1949*, p. 22 and Reservation to the Genocide Convention Advisory Opinion, *ICJ Rep. 1951*, pp. 23-24.

32. *si omnes*

33. See Ian Brownlie, *op. cit.*, pp. 96-97.

^{۳۴} چنانچه علی‌رغم شناسایی کوزوو از سوی تایوان، سخنگوی کوزوو به تمایزش برای شناسایی جمهوری خلق چین و عدم شناسایی تایوان اشاره کرده است.

^{۳۵} شناسایی ضمنی با انجام هر کدام از این اعمال اتفاق می‌افتد لیکن به معنای شناسایی وضعیت مقابل در تمام ابعاد ممکن نیست. چنانچه «ممکن است یک کشور با اعلامیه‌ای صریح اعلام کند که چنین و چنان اقداماتی به معنای شناسایی طرف مقابل [در دیگر زمینه‌ها] نیست». نک: ملک شاو، پیشین، ص ۱۷۹.

36. *prima facie*

مصونیت^{۳۷}، دفاع مشروع و وظایفی چون رعایت حقوق بشردوستانه و مسئولیت بین‌المللی^{۳۸}. توضیح بیشتر آنکه کشور در مفهوم حقوقی‌اش چیزی جز شخصیت بین‌المللی آن و شخصیت بین‌المللی چیزی جز مجموعه‌ای از قابلیت‌ها و توانایی‌ها نیست. این قابلیت‌ها همان آثار مد نظر طرفداران ایجاد بودن شناسایی است. آنها می‌گویند ایجاد کشور جز با شناسایی آن از سوی کشورها تولدی ناقص و رو به موت است؛ چرا که بسیاری از قابلیت‌ها جز با رضایت موجودیت حقوقی بین‌المللی دیگر، قابل تحقق نیست. لیکن اینکه کدام کشورها و چه تعداد کشور برای این امر لازم‌اند رویکرد بینابین به جای استفاده از عبارت «شناسایی از سوی کشورها»^{۳۹} از عبارت «شناسایی از سوی کشور مورد نظر»^{۴۰} بهره خواهد برد. دلیل این تغییر، توجه به پتانسیل موجود در تمام کشورهای موجود در جهت اعطای «بخشی» از شخصیت حقوقی بین‌المللی به کشور در حال شکل‌گیری یا مورد مطالعه است. از اینرو بالفعل شدن حقوق یک کشور بستگی به شناسایی کشورها دارد. در این رهیافت که ملهم از مکتب حقوقی وضعی جدید^{۴۱} در فلسفه حقوق بین‌الملل است، یک کشور شخصیت حقوقی بین‌المللی مطلق ندارد بلکه شخصیت حقوقی آن را در دو سوی یک طیف می‌دانیم که نسبت به هر کشور دیگر قابل ارزیابی است^{۴۲}. ممکن است یک

^{۳۷} هر چند مصونیت از قواعد عام‌الشمول است اما چنانچه بعداً توضیح داده خواهد شد با تفکیک میان کشور که حامل شخصیت حقوقی بین‌المللی است و حکومت که اهلیت استیفای آن را دارد، شناسایی یک کشور بدون شناسایی حکومت آن، مصونیت را به چالش می‌کشد. چرا که مصونیت متعلق به اشخاص تنها به مقامات حکومتی اعطا می‌شود از اینرو چنانچه کشوری حکومت کشوری را به رسمیت نشناسد مصونیتی نیز برای مقامات آن قائل نخواهد بود. البته این مسأله در خصوص مصونیت سران کشورها (مانند پادشاه، رهبر، ملکه، رئیس‌جمهور) و اموال دولتی اعمال نمی‌شود چرا که اموال متعلق به تمامیت کشور است و ربطی به حکومت وقت ندارد. برخی نویسندگان اعمال در راستای وظایف مقامات دولتی (ratione materiae) را نیز منتسب به شخصیت حقوقی کشور در کل می‌دانند و آنها را در این حالات حتی در موارد عدم شناسایی حکومت واجد مصونیت می‌دانند، نک:

Quereshi v. USSR [1981] Pakistani Supreme Court, *I.L.M.*, 1981, vol. 33, p. 1080

برای مطالعه بیشتر، نک: محسن عبدالهی و میرشهبیز شافع، مصونیت قضایی دولت در حقوق بین‌الملل، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور، نشر معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، چاپ اول، ۱۳۸۲، صص ۲۰-۲۲.

^{۳۸} معدودی از نویسندگان اشاره‌ای ضمنی به این رهیافت داشته‌اند. از جمله آقای بلیکس با اشاره به وضعیت تایوان و کره شمالی بیان میدارد که این موجودیت‌ها ظرفیتهای خاصی برای حقوق و تکالیف بین‌المللی دارند و تفکیک میکند میان احتمال کشور بودن آنها و متعاقباً وجود حداقل روابط مشخص با آنها و عدم شناسایی و متعاقباً عدم روابط دیپلماتیک و نزاکتی اختیاری با آنها.

See H.M. Blix, "Contemporary Aspects of Recognition", *ACADI*, Vol. 130, 1970, pp. 587-703.

³⁹ recognition of States

⁴⁰ recognition of the State concerned

⁴¹ Anthony Carty, *Philosophy of International Law*, Edinburgh University Press, 2007, p. 87.

^{۴۲} این نظر قبلاً نیز به طور ضمنی در بیانات برخی مشاهده شده است. به طور مثال کلسن می‌گوید با عمل حقوقی شناسایی، موجودیت شناسایی شده در ارتباط با کشور شناسایی‌کننده وجود قانونی پیدا می‌کند و از

موجودیت بین‌المللی نسبت به یک کشور از پیش موجود شخصیت حقوقی بین‌المللی کامل داشته باشد و مستحق نام «کشور» باشد؛ اما نسبت به یک کشور از پیش موجود دیگر شخصیت حقوقی بین‌المللی ناقص داشته باشد^{۴۳} و مستحق نام «جدایی طلب» یا «نهضت رهایی بخش» باشد. این شناسایی موجب شخصیت حقوقی بین‌المللی کامل یا ناقص در همه حال باید «متقابل» باشد.

۳- شناسایی در موارد جدایی

در فرایند کشور شدن جدایی‌طلبان، از یک سو دولت مرکزی موجود است و چه بسا مورد شناسایی بسیاری از کشورها قرار گرفته باشد و از سوی دیگر جدایی‌طلبان ابراز وجود می‌کنند و چه بسا مورد شناسایی بسیاری از کشورها چه به عنوان جدایی طلب (و به عبارتی شورشی) و سپس به عنوان کشور مستقل قرار بگیرند. چنانچه این شناسایی غیرقانونی باشد از ابتدا و چنانچه نامشروع^{۴۴} باشد از زمان صدور تصمیم یا دستور، مسؤلیت بین‌المللی دولت را به استناد نقض اصل عدم مداخله در امور داخلی همراه خواهد داشت^{۴۵}. باید توجه داشت شناسایی این موجودیت به عنوان یک «گروه جدایی طلب» لطمه‌ای به شناسایی دولت مرکزی نمی‌زند^{۴۶} چرا که شناسایی این گروهها تنها می‌تواند حقوق و تکالیف محدودی که حقوق بین‌الملل برای آنها به

این طریق حقوق بین‌الملل در روابط میان آن دو قابل اعمال می‌شود. Patrick Macklem, *op. cit.*
^{۴۳} این شخصیت ناقص دو صورت می‌تواند داشته باشد: اول اینکه شرایط تشکیل کشور علی‌الظاهر جمع باشد اما مورد شناسایی قرار نگرفته باشد که در اینصورت تنها حقوق عام‌الشمول موجب شخصیت حقوقی بین‌المللی ناقص است دوم اینکه علاوه بر کسب این شرایط، تنها در برخی زمینه‌ها مورد شناسایی قرار گرفته باشد که حقوق عام‌الشمول و برخی از حقوق خاص‌الشمول موجب شخصیت حقوقی بین‌المللی ناقص آن است مانند استثنای شناسایی واتیکان از مسائل نظامی و دفاعی.

^{۴۴} چنانچه شناسایی دولتها که در بدایت و در ظاهر امر (*prima facie*) مغایر با حقوق بین‌الملل نباشد اما پس از صدور دستور یا تصمیمی از سوی یک نهاد صالح، مغایر با حقوق بین‌الملل اعلام شود، چنین اقدامی را صرفاً «نامشروع» در نظر گرفته‌ایم. از این رو می‌توان گفت که شناسایی هیچ‌گاه غیرقانونی نیست و تنها در صورت اشتباه در وجود شرایط لازم برای شناسایی، شناسایی نامشروع خواهد بود. چرا که در فقدان یک حکم قضایی یا اجرایی از یک نهاد فائق (دیوان قضایی، داور یا سازمان بین‌المللی)، تشخیص درست بودن یا نبودن شناسایی با خود کشورهاست. اما در صورت وجود حکم یا تصمیمی از یک نهاد صالح، شناسایی

مغایر آن دستور یا حکم «غیرقانونی» تلقی می‌شود. برای تفاوت مشروعیت و قانونی بودن یک عمل، نک: Richard Warner, "Adjudication and Legal Reasoning", in Martin P. Golding and William A. Edmundson, *The Blackwell Guide to the Philosophy of Law and Legal Theory*, Blackwell Publishing, 2005, pp. 259-271 and Christopher Berry Gray, *The Philosophy of Law*, vol. II, p. 493.

^{۴۵} دلیل این امر رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی امریکا در نیکاراگوئه است که وقتی دیوان کمکهای مالی و روانی امریکا را موجب نقض اصل عدم مداخله می‌داند به طور اولی شناسایی جدایی طلب چه به عنوان شورشی چه به عنوان کشور مستقل موجب مداخله در امور داخلی تلقی خواهد شد.

^{۴۶} Brad R. Roth, *Governmental Illegitimacy in International Law*, Oxford University Press, 2000, pp. 173-175.

رسمیت شناخته است به بار آورد.

جدایی طلبان باید شرایطی را کسب کنند تا شناسایی آنها به عنوان یک گروه جدایی طلب مشروع باشد. چنانچه این شرایط نباشد آنها را آشوبگر^{۴۷} می‌نامند و اگر این شرایط کسب شود از آنها به شورشی^{۴۸} یاد می‌شود. این شرایط صریحاً در حقوق بین‌الملل، برای جدایی طلبان شمرده نشده است اما از آنجا که کنوانسیونهای چهارگانه و پروتکل الحاقی دوم شرایطی را برای برخورداری شورشیان از حقوق و تکالیف خود برشمرده است از طریق برهان^{۴۹} آن را به شرایط لازم برای شناسایی آنها نیز تعمیم می‌دهیم. این شرایط طبق پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیونهای ژنو عبارتند از کنترل بر قسمتی از سرزمین، تحت فرماندهی و سازماندهی بودن و قادر بودن به انجام تعهدات پروتکل^{۵۰}. اگر جدایی طلبان نتوانند این شرایط را کسب کنند تنها تحت شمول قواعد حقوق بشری هستند که با دیگر شهروندان عادی تفاوتی نمی‌کنند^{۵۱} و شناسایی آنها ممنوع و مداخله در امور داخلی دولت مرکزی خواهد بود. اما اگر شرایط مذکور را اخذ کنند، کشورهای دیگر می‌توانند دست به شناسایی آنها به عنوان شورشی دست زنند^{۵۲}. این

47. rebellion
 48. insurgency این اصطلاح در ماده ۳ مشترک کنوانسیونهای چهارگانه ژنو نیامده بلکه از آن به dissenting forces یاد شده است.
49. طبق این برهان از وجود معلول به وجود علت می‌رسیم. از آنجا که دارا شدن حقوق از آثار داشتن شخصیت حقوقی است و شخصیت حقوقی خود نیز معلول شناسایی است لذا تصور حقوق برای یک موجودیت با یک سری شرایط نشان از لزوم این شرایط برای شناسایی آن دارد.
50. دیوان کیفری بین‌المللی در خصوص شورشیان شرط استمرار کنترل را جایگزین شرط کنترل مؤثر نمود. نک: جمشید ممتاز و امیرحسین رنجبریان، حقوق بین‌الملل بشردوستانه: مخاصمات مسلحانه داخلی، نشر میزان، چاپ سوم، ۱۳۸۷، ص ۸۷
- علاوه بر این شرایطی در حقوق بین‌الملل عرفی مانند نمایندگی تشکیلات جدایی طلب از مردم منطقه مورد ادعا، و در دکتترین حقوقی مانند ذینفع بودن کشورهای ثالث در شناسایی آنها نیز به عنوان شرایط لازم برای شناسایی جدایی طلبان به عنوان شورشی بیان شده است. See Brad R. Roth, *op. cit.*, p. 178.
51. ماده ۳ مشترک کنوانسیونهای چهارگانه نیز حد فاصل این مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی را با تعرضات پراکنده داخلی بیان می‌کند که آستانه آن مورد اختلاف است لیکن رسیدن به آستانه ماده ۳ نیز گروه‌های درگیر را مشمول حقوق بشردوستانه می‌کند. ن. ک. جمشید ممتاز و امیرحسین رنجبریان، پیشین، ص ۸۳
52. باید توجه داشت که سازوکارهای شناسایی یک گروه به عنوان جدایی طلب موسع‌تر از سازوکارهای شناسایی یک کشور است. در حالی که بسیاری نهادهای داخلی کشورها می‌توانند جدایی طلبان را شناسایی کنند، تنها نهاد صالح برای شناسایی حقوقی یک کشور قوه مجریه است که نماینده قوه مجریه در سطح بین‌المللی نیز رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و وزیر خارجه است.
- Anthony (T.J.) F. Quan, "Respecta I Taotao Tano: The Recognition and Establishment of the Self-Determination and Sovereign Rights of the Indigenous Chamorros of Guam Under International Law, Federal and Local law", *Asian-Pacific Law and Policy Journal*, 2002, pp. 82-90.

شناسایی آثاری حقوقی جدای از آثار حقوقی شناسایی یک موجودیت به عنوان کشور دارد.^{۵۳} اما شناسایی جدایی‌طلبان به عنوان یک کشور مستقل نیاز به بررسی شرایط تشکیل کشور دارد (که عملاً شرط اساسی آن حاکمیت است). مشکل آنجاست که کشور ثالث قبلاً دولت مرکزی را به عنوان یک کشور مستقل مورد شناسایی قرار داده است که شامل شناسایی مرزهای سرزمینی آن نیز می‌شده است، حال چگونه می‌تواند جدایی‌طلبانی را به عنوان کشوری جدید به رسمیت بشناسد که به تمامیت سرزمین دولت مرکزی خدشه وارد کرده‌اند؟

بیان شد که معیار مشروعیت شناسایی یک موجودیت جدید به عنوان «کشور»، حاکمیت مؤثر مستقل است اما در خصوص اینکه آیا کشور ثالث حق دارد «حکومت» جدایی‌طلبان را به رسمیت بشناسد یا خیر به مسأله مشروعیت جدایی در حقوق بین‌الملل برمی‌گردد. لذا چنانچه جدایی را نامشروع بدانیم شناسایی حکومت جدایی‌طلبان نیز نامشروع است.^{۵۴} ولی چنانچه جدایی را مشروع بدانیم بررسی مشروعیت یا نامشروعیت شناسایی جدایی‌طلبان، تازه موضوعیت می‌یابد.^{۵۵}

^{۵۳} از جمله آثار شناسایی این گروه جدایی‌طلب به عنوان شورشی عبارتند از: تحقق وضعیت بی‌طرفی میان کشور شناسایی‌کننده از یکسو و دولت مرکزی و جدایی‌طلبان از سوی دیگر (استدلال شده است که برابر دانستن وضعیت دو طرف درگیر، این حق را به کشور بیگانه می‌دهد که به یکی از دو طرف درگیر ملحق شود و یا بی‌طرف باقی بماند (Brad R. Roth, *op. cit.*, p. 177)، لزوم پابندی کشور شناسایی‌کننده (که می‌تواند خود دولت مرکزی باشد) و جدایی‌طلبان به قواعد بشردوستانه در قبال یکدیگر، امکان شکایت علیه فرمانده جدایی‌طلبان به اتهام جنایت بین‌المللی، امکان طرح مسئولیت بین‌المللی علیه جدایی‌طلبان در صورت موفقیت در تشکیل یک کشور مستقل (The Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, Art. 10) و امکان طرح دعوا از سوی شهروندان علیه جدایی‌طلبان به استناد نقض حقوق بشر و شهروندی توسط جدایی‌طلبان در صورت موفقیت جدایی‌طلبان در تشکیل یک کشور مستقل. دو مورد اخیر به اصلی در حقوق بین‌الملل برمی‌گردد که طبق آن در صورت موفقیت یک گروه جدایی‌طلب در تشکیل کشور، تمام اعمال ماقبل آن قابل انتساب به دولت نوظهور خواهد بود. عبارت لاتین این اصل *States in Statu Nascendi* است که به معنای «دولت در حال شکوفایی» است. این اصل از استثنای اصل عطف بماسبق نشدن شناسایی در حقوق بین‌الملل است.

^{۵۴} هرچند شناسایی حکومت نامشروع مانند حکومت نژادپرست افریقای جنوبی در نامیبیا از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری غیرقانونی اعلام شد اما همین دیوان معتقد است که در هر حال نتایج تعهد به عدم شناسایی، نامحدود نیست. دیوان در نظر خود اشاره می‌کند «عدم شناسایی اداره قلمروی مورد بحث توسط افریقای جنوبی نباید به محرومیت مردم نامیبیا از هرگونه مزیت منتج از همکاری بین‌المللی بینجامد».

ICJ Rep. 1971, p. 56, para 125.

این رویکرد ما را به لازم و ملزوم بودن عدم شناسایی حکومت نامشروع و شناسایی نهضت آزادی‌بخش سوق می‌دهد.

^{۵۵} برای مشاهده نظرات موافق و مخالف جدایی، نک:

Supreme Court of Canada, Reference Re Secession of Quebec, 20 August, 19; Mikulas Fabry, *Secession and State Recognition in International Relations and Law*, Paper to be presented at the APSA Annual Convention, Chicago, Aug. 30 - Sep. 2, 2007;

بر فرض که جدایی را در حقوق بین‌الملل ممنوع ندانیم آیا می‌توان برای شناسایی اعطایی قبلی به کشور دولت مرکزی تعهداتی متصور شد که کشور ثالث نتواند از زیر بار آنها شانه خالی کند؟ شناسایی یک عمل حقوقی بین‌المللی یکجانبه مستقل است که آثار حقوقی به بار می‌آورد. چنانچه این شناسایی «متقابل» باشد برخی از این آثار، تعهداتی هستند بر دوش دولت ثالث. لیکن این تعهدات در صورتی مستقر خواهند بود که شناسایی مذکور به صورت قانونی یا دژوره^{۵۶} بوده باشد. بنابراین چنانچه شناسایی دولت مرکزی از سوی ثالث به عنوان کشور به صورت دژوره بوده باشد، کشور ثالث نمی‌تواند جدایی‌طلبان را به صورت دژوره به عنوان کشور مستقل مورد شناسایی قرار دهند مگر تا وقتی که رضایت دولت مرکزی به دست آید یا تغییری در اوضاع و احوال زمان انعقاد «شناسایی متقابل» به وجود آید.^{۵۷} در غیر این موارد، شناسایی در این حال غیرقانونی است.^{۵۸} اما اگر شناسایی دولت مرکزی از سوی ثالث به صورت دفاکتو بوده باشد، ثالث می‌تواند جدایی‌طلبان حائز شرایط را چه به صورت دژوره چه به صورت دفاکتو مورد شناسایی قرار بدهد. اما بر فرض که جدایی در حقوق بین‌الملل نامشروع اعلام شود، چه حکومت دولت مرکزی به صورت دژوره مورد شناسایی قرار گرفته باشد چه به صورت دفاکتو، شناسایی حکومت جدایی‌طلبان غیرقانونی و نامشروع است.^{۵۹}

^{۵۶} برای مطالعه بیشتر در خصوص تفاوت شناسایی دژوره و دفاکتو، نک:

Ian Brownlie, *op. cit.*, p. 72; Rebecca M.M. Wallace, *International Law*, London, Sweet & Maxwell, 5th ed., 2005, p. 95 .

سید جمال سیفی، «تحولات مفهوم حاکمیت دولتها در پرتوی اصل حق تعیین سرنوشت ملت‌ها»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۱۷-۱۵، ۱۳۷۴-۱۳۷۳، ص ۲۴۹؛ ویکتور بارین چهاربخش، «شناسایی و جایگاه آن در حقوق بین‌الملل اسلامی»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل عمومی*، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۶۹، ص ۳۵.

^{۵۷} عرفی در حال شکل‌گیری است که نقض فاحش و شدید حقوق بشر مردم یک سرزمین به آنها با شرایطی حق جدایی می‌دهد. نک:

Mortimer Sellers, *The New world order: sovereignty, human rights, and the self-determination of peoples*, Oxford, 1996; Guyora Binder, "The Kaplan lecture on human rights: the case for self-determination", 29 *Stanford Journal of International Law*, no. 223, 1993.

^{۵۸} در مقابل می‌توان استدلال نمود که شناسایی به عنوان «عمل یکجانبه حقوقی» نمی‌تواند مغایر اصول کنوانسیون مونته‌ویدئو به عنوان «عمل حقوقی چندجانبه» باشد. کشورها در این کنوانسیون شرایطی را که طبق آن می‌توانند یک موجودیت را به عنوان کشور شناسایی کنند بیان کرده‌اند که شرط اصلی آن حاکمیت مؤثر است. لذا در صورتی که جدایی‌طلبان حاکمیت مؤثر بر سرزمین را کسب نمایند قابل شناسایی خواهند بود.

^{۵۹} در مقابل می‌توان استدلال نمود که دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه پره‌آویهر میان کامبوج و تایلند و قضیه اختلافات ارضی میان لیبی و چاد به اصل «حفظ مرزهای موجود» اشاره داشته است و آن را به دو شرط، الزام‌آور دانسته است: مرزهای مورد نظر بین‌المللی باشد و موافقتنامه‌ای دال بر وجود چنین مرزی وجود داشته باشد. لذا در صورتی که شناسایی یک کشور در یک موافقتنامه بین‌المللی درج نشود نمی‌تواند

مسأله دیگر نقش سازمان ملل در شناسایی جدایی‌طلبان است. موضع سازمان ملل در رابطه با جدایی‌طلبان از چهار حالت خارج نخواهد بود: یا جدایی‌طلبان به عضویت سازمان ملل پذیرفته می‌شوند؛ یا ارکان سازمان ملل جدایی‌طلبان را بدون عضویت مورد شناسایی قرار می‌دهند؛ یا ارکان سازمان ملل ضمن شناسایی جدایی‌طلبان دولتها را ملزم به شناسایی آنها می‌نمایند^{۶۰} و یا ارکان سازمان ملل دولتها را ملزم به عدم شناسایی جدایی‌طلبان می‌کنند.

در حالت اول می‌توان گفت که عضویت موجودیتی جدید در سازمان ملل متحد به معنای شناسایی «کشور» و «حکومت» جدایی‌طلبان است. در مقابل استدلال شده است که ماده ۴ منشور ملل متحد در رابطه با عضویت از «کشورهای شیفته صلح» صحبت می‌کند^{۶۱} و نه از کشور و حکومت؛ لذا عضویت یک کشور جدید در سازمان تنها به منزله شناسایی کشور بودن عضو جدید است و نه شناسایی حکومت آن. در هر صورت باید توجه داشت که عضویت در سازمان ملل به معنای الزام به شناسایی کشور جدید از سوی دولتهای عضو نیست چرا که اولاً شخصیت حقوقی سازمان ملل از اعضای خود متمایز است و ثانیاً اینکه شناسایی یکی از جلوه‌های حاکمیت است که جز در صورت اراده‌ای صریح قابل اجرا از سوی ثالث نیست و ثالثاً معیار مناسب برای شناسایی یک کشور در حقوق بین‌الملل پیش از آنکه ذهنی باشد معیاری عینی است که هر مفسری طبق استدلالات خود آن را احراز می‌کند. بنابراین در قدر متیقن می‌توان گفت عضویت کشور جدید به معنای احراز شرایط تشکیل کشور از سوی این سازمان خواهد بود که در صورت اشتباه، مسؤولیتی از این باب بر دوش اعضا نخواهد بود.

در حالت دوم، شناسایی جدایی‌طلبان از سوی ارکان سازمان ملل به دو موضوع بستگی خواهد داشت. اول اینکه جدایی‌طلبان به چه عنوانی مورد شناسایی قرار می‌گیرند (شورش، کشور و یا حکومت) و دوم اینکه چنین تصمیمی در چارچوبی الزام‌آور گرفته می‌شود و یا در چارچوبی

مانعی برای شناسایی جدایی‌طلبان درون دولت مرکزی باشد حتی اگر دولت مرکزی به طور دژوره مورد شناسایی قرار گرفته باشد.

I.C.J. Report, Case Concerning the Temple of Preah Vihear, 1962, *I.C.J. Report*, Case Concerning the Territorial Dispute, 1994.

^{۶۰} طرح سؤال مجمع عمومی در دیوان بین‌المللی دادگستری، در شصت و سومین اجلاس خود مبنی بر اینکه «آیا اعلامیه یکجانبه استقلال توسط نهادهای خودمختاری موقت کوزوو مطابق با حقوق بین‌الملل است؟» زمینه این احتمال را فراهم کرد که دیوان به این نتیجه برسد که کشورها ملزم به شناسایی کوزوو هستند که در این صورت این برای اولین بار بود که مرجعی بین‌المللی اعضا را ملزم به شناسایی یک کشور می‌کرد؛ اما با صدور نظر نهایی دیوان و اعلام اینکه مسأله شناسایی از صلاحیت دیوان خروج موضوعی دارد این شانس نیز منتفی شد.

Catriona Drew, *op. cit.*, p. 7.
General Assembly Res. 63/3 (A/63/L.2), 7 October 2008.

^{۶۱} بند ۱ ماده ۴ منشور بیان می‌دارد سایر کشورهای شیفته صلح که تعهدات مندرج در این منشور را بپذیرند و به نظر و تشخیص سازمان قادر و مایل به اجرای آن باشند می‌توانند به عضویت ملل متحد درآیند.

توصیه‌ای. شناسایی جدایی‌طلبان به عنوان شورشی، کشور و یا حکومت جدایی‌طلبان به دلایلی که ذکر شد مانع از شناسایی یا عدم شناسایی دولتهای عضو نمی‌شود.^{۶۲} شناسایی جدایی‌طلبان از سوی ارکان سازمان ملل تنها این اثر حقوقی را می‌تواند داشته باشد که چنانچه این شناسایی در قالب الزام‌آور صورت گرفته باشد رافع مسؤولیت دولتهای عضو ناشی از شناسایی در قبال سازمان ملل خواهد بود.^{۶۳}

نکته‌ای که باقی می‌ماند این است که آیا درج نام گروههای شورشی و از جمله جدایی‌طلبان در قطعنامه‌های شورای امنیت^{۶۴} به معنای شناسایی این گروههاست؟ می‌توان تفکیک کرد میان گروههایی که در قطعنامه شورای امنیت به عنوان طرف مخاصمه معرفی می‌شوند و سایر گروهها؛ چرا که یکی از معیارهای عینی شناسایی شخصیت حقوقی برای شورشیان، داشتن داشتن فرماندهی نظامی مذکور در پروتکل دوم است و طرف مخاصمه تلقی کردن آنها به معنای پذیرش ضمنی شخصیت حقوقی جدایی‌طلبان است.^{۶۵} در هر صورت ذکر نام گروه جدایی‌طلب در قطعنامه‌های شورای امنیت می‌تواند اماره‌ای بر شناسایی آن تلقی شود که بار اثبات خلاف آن بر دوش مدعی خواهد بود.^{۶۶}

حالت سوم الزام ارکان سازمان ملل به شناسایی جدایی‌طلبان است که چنین موردی علی‌رغم سابقه نداشتن از مجاری شورای امنیت و دعاوی ترافی سازمان ملل متحد، بعید به نظر نمی‌رسد. ارزیابی مشروعیت چنین تصمیماتی موضوع پژوهشی دیگر است اما عملکرد شورای امنیت در تحدید حاکمیت کشورها و عملکرد دیوان بین‌المللی دادگستری در تحدید حدود ارضی در برخی

^{۶۲} به همین دلیل علی‌رغم عضویت اسرائیل در سازمان ملل متحد و شناسایی ضمنی اسرائیل به عنوان کشور از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه دیوار حائل، بسیاری از کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران به عدم شناسایی حکومت اسرائیل ادامه می‌دهند.

^{۶۳} رفع مسؤولیت دولت تنها در قبال سازمان ملل به این علت است که طرح مسؤولیت بین‌المللی دولتها مصوب کمیسیون حقوق بین‌الملل مورخ ۲۰۰۱ امر آمر سازمانی را به عنوان معاذیر رافع وصف متخلفانه نپذیرفته است و کمیسیون در تفاسیر خود این مورد را حتی از مصادیق اجبار یا فورس ماژور ندانسته است.

^{۶۴} به طور مثال، نک:

Security Council Resolutions 146 (1960); 161 (1961); 541 (1983); 550 (1984); 269 (1969); 1244 (1999); 6158th Meeting SC/9700 (2009).

^{۶۵} هر چند بند ۲ ماده ۳ مشترک کنوانسیونهای ژنو مورخ ۱۹۴۹ صریحاً اعلام کرده که اعمال قواعد بشردوستانه این ماده، تأثیری در جایگاه حقوقی شورشیان ندارد اما باید توجه داشت که احراز حقوق و تکالیف دیگر برای جدایی‌طلبان نه فقط به دلیل اعمال قواعد بشردوستانه برای آنها بلکه به دلیل جایگاه تأسیسی شورای امنیت در شناسایی است. همانطور که ملکم شاو معتقد است که شناسایی تابعان منفعل حقوق بین‌الملل تأسیسی تلقی شده است و نه اعلامی. به عبارت دیگر در مواردی که حقایق روشن نباشد مانند جدایی‌شناسایی صرفاً حالت تأسیسی دارد. نک: ملکم شاو، پیشین، ص ۱۷۱.

^{۶۶} در خصوص اینکه شناسایی از سوی یک سازمان اماره‌ای است بر کشور بودن یک موجودیت، نک:

Catriona Drew, *op. cit.*, p. 7.

قضایا، نشان از محتمل بودن چنین تصمیماتی دارد. در هر حال برخلاف تصمیمات شورای امنیت که طبق ماده ۲۵ منشور برای تمام اعضا الزام‌آور است، تصمیمات دیوان بین‌المللی دادگستری در دعاوی ترافیکی طبق ماده ۹۴ منشور تنها برای طرفهای دعوا لازم‌الاتباع است.^{۶۷}

حالت چهارم نیز در قضایایی چون نامیبیا و دیوار حائل در دیوان بین‌المللی دادگستری و وضعیتهای حمله عراق علیه کویت، رودزیای جنوبی و بانسوستانس^{۶۸} در افریقای جنوبی در شورای امنیت مشاهده گردید که سازمان ملل معمولاً دولتها را ترغیب به عدم شناسایی وضعیتهایی می‌کند که مغایر با قواعد آمره بین‌المللی هستند.^{۶۹} این اقدام سازمان در راستای هدف ذکر شده در بند ۲ ماده ۴۱ طرح مسؤولیت بین‌المللی دولتهاست که طبق آن هیچ دولتی نباید وضعیتی را که با نقض جدی قاعده آمره ایجاد شده است را قانونی بشناسد.^{۷۰}

۴- شناسایی در خصوص کوزوو، اوستیای جنوبی و آبخازیا

با مباحث پیش‌گفته می‌توان تا حدودی به بررسی آثار حقوقی شناسایی کوزوو، اوستیای جنوبی و آبخازیا و تأثیر آن بر کشور شدن این سه موجودیت پرداخت.

اول. کوزوو: وضعیت کوزوو بیش از هر چیز شبیه وضعیت فلسطین است: یک سرزمین با دو مدعی.^{۷۱} کوزوو پس از صدور اعلامیه استقلال خود در بند ۱۲ اعلامیه استقلال خود بیان داشت «ما از کشورها درخواست می‌کنیم که حمایت و دوستی خود را با ما گسترش دهند». همینطور در

^{۶۷} لازم به ذکر است که دیوان در تمام قضایای مربوط به تحدید حدود ارضی و دریایی به طور ضمنی شناسایی مرزهای اعلام شده از سوی دیوان را لازم دانسته است. به طور مثال، نک:

ICJ. Rep. Maritime Delimitation and Territorial Questions between Qatar and Bahrain (Qatar v. Bahrain) 1991; Kasikili/Sedudu Island (Botswana/Namibia) 1996; Request for Interpretation of the Judgment of 11 June 1998 in the Case concerning the Land and Maritime Boundary between Cameroon and Nigeria (Cameroon v. Nigeria) 1998, Preliminary Objections (Nigeria v. Cameroon); Sovereignty over Pedra Branca/Pulau Batu Puteh, Middle Rocks and South Ledge (Malaysia/Singapore) 2003; Sovereignty over Pedra Branca/Pulau Batu Puteh, Middle Rocks and South Ledge (Malaysia/Singapore) 2003.

^{۶۸} Bantustans

^{۶۹} دادگاه اروپایی حقوق بشر هم اصل عدم شناسایی و هم محدودیت وارد بر آن را در قضایای متعددی اعمال کرده است.

Loizido v. Turkey, Merits, ECHR Rep. 1996, p. 2216; Cyprus v. Turkey, Judgment of 10 May 2001, paras. 89-98. Quoted from ILC, The Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, 2001, article 41, para. 10.

^{۷۰} این ماده بیان می‌دارد «۱- دولتها باید برای پایان بخشیدن به هرگونه نقض جدی در مفهوم ماده ۴۰ از طریق تدابیر قانونی با یکدیگر همکاری کنند. ۲- هیچ دولتی نباید وضعیتی را که با نقض جدی در مفهوم ماده ۴۰ ایجاد شده است قانونی محسوب کند و نباید هیچ‌گونه کمک یا مساعدتی در حفظ آن وضعیت ارائه دهد. ۳- این ماده بر دیگر نتایج مذکور در این بخش و نتایج دیگر حاصل از نقض موضوع این فصل که به موجب حقوق بین‌الملل پدید می‌آید خدشه‌ای وارد نمی‌کند.»

^{۷۱} سیدنیاسر ضیایی، «استقلال کوزوو از منظر حقوق بین‌الملل»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبایی، سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶، ص ۷۴.

بند ۹ کوزوو از سازمانهای بین‌المللی می‌خواهد تا او را به عضویت در آورند. این عبارت، ما را به خواست کوزوو برای شناسایی سوق می‌دهد. پس از اعلام این استقلال تاکنون (دسامبر ۲۰۱۰) ۷۲ کشور کوزوو را صریحاً به رسمیت شناخته‌اند. برای بررسی مشروعیت شناسایی کوزوو از سوی ثالث (اعم از کشورها و سازمانهای بین‌المللی) باید دو مقسم شناسایی را در نظر داشت: جدایی طلب/دولت مرکزی و کشور/حکومت. کوزوو ییها ابتدا مورد شناسایی به عنوان شورشیان جدایی طلب قرار گرفتند و سپس مورد شناسایی به عنوان یک کشور. لازم است برای بررسی دقیق وضعیت شناسایی در خصوص کوزوو به گذشته برگردیم و مرحله به مرحله تحلیل کنیم.^{۷۲}

آلبانی تباران کوزوو در قرون متمادی خواستار حقوق خود بوده و به دولت مرکزی خود در طول تاریخ معترض بوده‌اند. علی‌رغم این واقعیت، معترضین کوزوویی را نمی‌توان تا قبل از تشکیل ارتش آزادیبخش کوزوو (KLA)^{۷۳} در ۱۹۹۷ و شروع فعالیت رسمی آنها، مصداق شورشی دانست.^{۷۴} ارتش آزادیبخش کوزوو توسط بسیاری از کشورها به عنوان گروه معترض شورشی خواهان جدایی، شناسایی شد و از این طریق، شخصیت حقوقی بین‌المللی محدودی پیدا کرد. تا آنجا که حتی دولت یوگسلاوی از طرف درگیر (صربستان و ارتش آزادیبخش) برای امضای موافقتنامه دعوت به عمل می‌آورد.^{۷۵} هرچند کمکهای نظامی صورت گرفته به ارتش آزادیبخش کوزوو از طرف کشورهای قدرتمند خارجی به دلیل حاکم شدن وضعیت بی‌طرفی، غیر قانونی و مداخله در امور داخلی محسوب می‌شده است،^{۷۶} این مسأله در رابطه با کشورهایی که کوزوو را کشوری مستقل و دولت آن را به عنوان دولت در تبعید^{۷۷} شناسایی کرده‌اند متفاوت است. از اینرو کمکهای کشور آلبانی با شناسایی کوزوو از سال ۱۹۹۲ به عنوان کشوری مستقل (حداقل تا قبل از تصمیم‌گیری شورای امنیت در ارتباط با وضعیت کوزوو در سال ۱۹۹۸) نقض مداخله در امور داخلی نبوده و تنها می‌توانسته موجب نقض اصل بی‌طرفی در مخاصمه شود.

شناسایی مشروع کوزوو ییهای جدایی طلب به عنوان کشور مستقل مستلزم احراز شرایط مربوط به تشکیل کشور است که بحث‌برانگیزترین آنها «حاکمیت مؤثر» بر سرزمین است و شناسایی مشروع حکومت کوزوو مستلزم احراز شرط «مشروعیت» حکومت است. مهمترین معیار

72. Richard Caplan, *Europe and the Recognition of New States in Yugoslavia*, UK: Cambridge University Press, 2005, p. 51.

73. Kosovo Liberation Army

^{۷۴} حبیب‌اله ولی‌الله ملک‌شاه و احمد جعفری، ریشه‌های بحران کوزوو و دخالت نظامی ناتو، نشر وزارت امور خارجه، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۱۸-۱۷.

^{۷۵} همان، ص ۲۳.

76. Andru E. Wall, *Legal and Ethical Lessons of NATO's Kosovo Campaign*, Naval War College, 2002, p. 35.

^{۷۷} معیارهای متفاوتی برای مشروعیت حکومت در تبعید عنوان شده است:

See Stefan Talmon, *Who Is a Legitimate Government in Exile? Towards Normative Criteria for Governmental Legitimacy in International Law*, in Guy S. Goodwin-Gill and Stefan Talmon, Oxford University Press, 1999, pp. 516-537.

تعیین‌کننده برای حاکمیت مؤثر، اقتدار نظامی بدون کمک خارجی برای کنترل بر سرزمین است.^{۷۸} حتی اگر این شاخص درباره ارتش آزادی‌بخش کوزوو قابل کشف باشد لیکن با ورود نیروهای بین‌المللی (یونامیک و کیفور) از طرف ملل متحد به کوزوو در سال ۱۹۹۹، ماهیت این گروه معترض متفاوت می‌شود. بند ب ماده ۹ قطعنامه ۱۲۴۴ از کیفور^{۷۹} می‌خواهد تا در خلع سلاح گروه‌های نظامی و شبه نظامی کوزوو تلاش نماید. یونامیک^{۸۰} نمایندگی کوزوو در سطح روابط بین‌المللی را به عهده می‌گیرد. شناسایی یونامیک به عنوان نماینده اداره بین‌المللی کوزوو توسط کشورهای جهان با رجوع به ماده ۲۵ منشور ملل متحد به طور خودکار اتفاق افتاده است. حضور یونامیک به جای نیروهای نمایندگی‌کننده قبلی در کوزوو طبق قطعنامه ۱۲۴۴ شورای امنیت طبق فصل هفتم صورت گرفته است و شناسایی آن توسط اعضاء الزامی است.^{۸۱} بنابراین از این زمان کنترل مؤثر دولت بلغراد و ارتش آزادیبخش کوزوو بر کوزوو تمام می‌شود و سرنوشت کوزوو به دست مجلس کوزوو به عنوان رکنی از ارکان یونامیک منتقل می‌شود. لذا شناسایی ارتش آزادیبخش کوزوو به عنوان شورشی از این زمان محلی از اعراب ندارد و آنچه باید منتظر آن ماند تصمیم‌گیری از سوی این نهاد مردمی و البته مورد شناسایی بین‌المللی است.

مجلس کوزوو در ۱۷ فوریه ۲۰۰۸ استقلال کوزوو را به عنوان کشوری مستقل اعلام می‌نماید که توسط بسیاری کشورها نیز شناسایی می‌شود در حالی که ۲ نکته وجود دارد: نکته اول آنکه بسیاری کشورها بر شناسایی حاکمیت مشروع صربستان بر کوزوو تأکید کردند (و در مقابل استقلال کوزوو را شناسایی نکردند)^{۸۲} و نکته دوم اینکه قطعنامه ۱۲۴۴ نیز به حاکمیت یوگسلاوی (اینک صربستان) بر کوزوو صحنه گذاشته است.^{۸۳} دیوان بین‌المللی دادگستری در ۱۷ اکتبر ۲۰۰۸

⁷⁸. See Vera Gowland-Debbas, *op. cit.*, p. 207; Brad R. Roth, *op. cit.*, p. 184.

⁷⁹. KAFOR or Kosovo Army Force

⁸⁰. UNAMIK or United Nations Interim Administration in Kosovo

^{۸۱} به نظر می‌رسد این امکان وجود دارد که کشورهای غیر عضو ملل متحد قادرند حکومت یوگسلاوی (و بعد صربستان) یا آشوبگران ارتش آزادیبخش کوزوو را مورد شناسایی قرار دهند و هیچ الزامی به شناسایی نمایندگی یونامیک در منطقه ندارند مگر آنکه سازمان ملل متحد طبق بند ۶ ماده ۲ منشور ملل متحد شناسایی یونامیک از سوی تمام کشورهای جهان را برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ضروری بداند.

^{۸۲} صربستان قانونی تصویب کرده است که طبق آن دولت صربستان موظف است کوزوو را به رسمیت نشناسد. این تعهد به معنای قادر نبودن رئیس‌جمهور این کشور برای شناسایی کوزوو به عنوان یک کشور است. برای مطالعه بیشتر در خصوص حق بودن یا تکلیف بودن شناسایی، نک:

Summery of Chatham House International Law Discussion Group, meeting held on 22 April 2008, *Kosovo: International law and Recognition*, Available at: www.chathamhouse.org.uk

See Vera Gowland-Debbas, *Collective Response to Illegal Acts in International Law: United Nations Action in the Question of Southern Rhodesia*, Martinus Nijhoff Publishers, 1990, p. 204.

General Assembly Res. 2625 (XXV), 1970, para. 10. and General Assembly Res. 3314 (XXIX), 1975, art. 5, para. 3.

^{۸۳} این ایراد با این استدلال پاسخ داد شده است که اشاره به حاکمیت یوگسلاوی در مقدمه قطعنامه آمده است اما در متن قطعنامه به خودمختاری اساسی کوزوو اشاره شده است.

Security Council Res. 1244(1999) Art. 10.

موضوع ارائه نظر مشورتی در خصوص اعلامیه استقلال کوزوو را پذیرفت^{۸۴} و در ۲۲ ژوئیه ۲۰۱۰ نظر نهایی خود را صادر نمود که در آن اعلام استقلال از سوی کوزوو را امری مغایر با حقوق بین‌الملل ندانست. هرچند دیوان بین‌المللی دادگستری در این نظر مشورتی رجوع مستقیمی به موضوع شناسایی نکرد و مسأله مشروعیت شناسایی را خارج از محدوده سؤال دانست^{۸۵}، اما نمی‌توان منکر پیامدهای مثبت این نظر بر شناسایی شد^{۸۶}.

برای تعیین مشروعیت شناسایی اعلام استقلال کوزوو از سوی ثالثین باید میان شناسایی «کشور» کوزوو و «حکومت» کوزوو قائل به تفکیک شویم. ابتدا به شناسایی کوزوو به عنوان یک کشور می‌پردازیم و سپس شناسایی حکومت کوزوو.

در ۱۷ فوریه ۲۰۰۸ ما با سه گروه موازی که هر کدام میزانی از حاکمیت را بر کوزوو داشته‌اند مواجهیم: ملل متحد، صربستان و کوزوو. کشورها (در چارچوب منشور ملل متحد) در ارتباط با اقتدار همزمان صربستان، ملل متحد و کوزوو با دو رویکرد مواجهند. طبق رویکرد اول کشورها طبق قطعنامه ۱۲۴۴ ملزم به پذیرش وضعیت حقوقی ایجاد شده از سوی شورای امنیت برای کوزوو هستند که حاکمیت صربستان و یونامیک را به طور همزمان در بر دارد و طبق رویکرد دوم کشورها می‌توانند با این استدلال که معیار شناسایی کشور «عینی» است و نه «ذهنی» و یا با استناد به نظر دیوان بین‌المللی دادگستری که اعلام استقلال کوزوو را مشروع و قانونی دانست^{۸۷} کشور کوزوو را شناسایی کنند^{۸۸}. رویکرد سومی وجود ندارد. برای اتخاذ رویکرد صحیح باید به این

^{۸۴} در تاریخ ۸ اکتبر ۲۰۰۸ به تقاضای صربستان، مجمع عمومی در بیست و دومین نشست شصت و سومین اجلاس خود قطعنامه ۳/۶۳ (A/63/L.2) را تصویب نمود که وفق آن صربستان از سازمان ملل تقاضا نمود تا درخواستی را به دیوان بین‌المللی دادگستری جهت ارائه نظریه مشورتی درباره مشروعیت یا نامشروع بودن اعلامیه استقلال نهادهای خودمختار موقتی کوزوو تسلیم نمایند که این امر در ۱۷ اکتبر ۲۰۰۸ مورد قبول دیوان بین‌المللی دادگستری قرار گرفت.

^{۸۵} *ICJ Rep.*, Case Accordance with international law of the unilateral declaration of independence in respect of Kosovo (Request for Advisory Opinion) - Advisory Opinion - Advisory Opinion of 22 July 2011, Para. 51.

^{۸۶} Mahasen M. Aljaghoub, "The International Court of Justice's Advisory Opinion on Kosovo's Declaration of Independence: Could it be the Court's second non-liquet?", *European Journal of Social Sciences*, Volume 15, Number 1 (2010), pp. 86-92.

^{۸۷} علاوه بر این استناد، این استدلال نیز قابل طرح است که قطعنامه ۱۲۴۴ به یکی از موفق‌نامه‌هایی که ارجاع داده است موافقتنامه رامبویه است. طبق این موافقتنامه، حل مسأله کوزوو به خواسته مردم و نهادهای ذینفع احاله داده شده است. بهترین مرجع نماینده از سوی مردم مجلس مردمی کوزوو است که توسط یونامیک تأسیس شده است. نک: سیدیاسر ضیایی، پیشین، صص ۶۲-۴۱.

^{۸۸} به نظر می‌رسد که دولت‌ها در برابر دو تعهد متعارض از سوی سازمان ملل قرار دارند که یکی به شناسایی حاکمیت صربستان فرامی‌خواند و دیگری به شناسایی حاکمیت کوزوو؛ اما باید توجه داشت که اولاً تعهد ناشی از قطعنامه شورای امنیت تعهدی لازم‌الاجراست در حالی که تصمیم دیوان صرفاً مشورتی است و ثانیاً دیوان به طور مستقیم به موضوع شناسایی نمی‌پردازد در حالی که قطعنامه ۱۲۴۴ صریحاً به تعهد کشورها به احترام به حاکمیت ارضی یوگسلاوی (صربستان) اشاره می‌کند. در خصوص تعارض میان تصمیمات

سوال پاسخ داد که معیار نهایی شناسایی قانونی و مشروع یک کشور چیست؟ در ارتباط با این امر باید توجه داشت که معیار حاکمیت مورد نیاز برای شناسایی یک کشور، عنصری کاملاً عینی است و نباید با بحث مشروعیت که مختص حکومت است و مفهومی حقوقی است خلط شود.^{۸۹} کوزوو توانست به کمک یونامیک و کسب شناسایی از سوی جمع کثیری از کشورها، بسیاری از جلوه‌های حاکمیتی خود را اعم از سیاسی، اقتصادی، آموزشی و نظامی به دست آورد^{۹۰} و از این جهت شناسایی کوزوو به عنوان یک کشور، قانونی و مشروع است.

اما برای شناسایی «حکومت» کوزوو نیاز داریم که به مشروعیت جدایی در حقوق بین‌الملل بپردازیم.^{۹۱} هرچند دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه مشروعیت اعلام استقلال کوزوو، موضوع «مشروعیت اعلام جدایی» را از موضوع «مشروعیت جدایی» متمایز دانست اما چنانچه جدایی کوزوو را مشروع بدانیم، شناسایی حکومت کوزوو نیز مشروع خواهد بود اما چنانچه جدایی کوزوو را نامشروع بدانیم، شناسایی حکومت شناسایی حکومت کوزوو نامشروع خواهد بود.^{۹۲} در زمانی که با یک حکم قضایی در خصوص نامشروع بودن جدایی کوزوو روبه‌رو باشیم این شناسایی نامشروع تبدیل به شناسایی غیرقانونی می‌شود.^{۹۳}

ایرادی که گرفته می‌شود به تعهد کشورهای اروپایی نسبت به عدم شناسایی وضعیتهای جدایی ناشی از اعلامیه هلسینکی است. لازم به ذکر است این اعلامیه صریحاً از لزوم عدم شناسایی سخنی به میان نمی‌آورد بلکه فحوای آن چنین برداشتی را ایجاد کرده است. در هر حال سه پاسخ وجود دارد: اولاً این سند یک معاهده طبق حقوق بین‌الملل نیست^{۹۴} ثانیاً بند ۱۳ قسمت اول همین سند به حق تعیین سرنوشت مردم کشورهای عضو در هر زمان با اعلام تمایل آنها به تعیین وضعیت سیاسی داخلی و خارجی خود بدون مداخله خارجی صحه گذاشته است ثالثاً تعهد

شورای امنیت و دیوان بین‌المللی دادگستری، نک: فریده شایگان، شورای امنیت سازمان ملل متحد و مفهوم

صلح و امنیت بین‌المللی، نشر دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰.

^{۸۹} برای مشاهده نظر مخالف، نک:

- J.E.S. Fawcett, *The Law of Nations*, Harmonds Worth, Middlesex, Penguin Books, 1971, p. 46.
- ^{۹۰} Chang Mei-Ling, *State Sovereignty as Social Construct: A case study of Kosovo's pursuit of independence*, SGIA Research Working Papers Series, Durham University, 2008.
- ^{۹۱} See Aleksandar Pavković and Peter Radan, *Violent and Non-Violent Secessions in The Contemporary World: Their Causes, Justifications and Legality*, Ashgate Publishing, 2007; Aleksandar Pavković, Secession, Majority Rule and Equal Rights: a Few Questions, *Macquarie Law Journal*, no. 5, 2003; Aleksandar Pavković and Peter Radan, "In Pursuit of Sovereignty and Self-Determination: Peoples, States And Secession In The International Order", *Macquarie Law Journal*, no. 1, 2003; Greg Craven, "The Quebec Secession Reference: The Law Of Politics Or The Politics Of Law?", *Murdoch University Electronic Journal of Law*, vol. 6, no. 1, 1999,
- ^{۹۲} See Bruni Coppieters, *Kosovo and the Principles of Just Secession*, Center for European Policy Studies, no. 146, 2007, Electronic copy available at: <http://ssrn.com/abstract=1334073>
- ^{۹۳} Jessica Almqvist, *The Politics of Recognition: Kosovo and International Law*, Document de Drabajo, Working Paper, 2009, p. 13. Available at www.realinstitutoelcano.org
- ^{۹۴} Hans-Joachim Heintze, *Contradictory Principles in the Helsinki Final Act?: The Right of Peoples to Self-Determination versus the Territorial Integrity of States*, "Post-Conflict: Rebuilding of States – Völkerrechtliche Aspekte der Wiederherstellung von Staatlichkeit" [Post-Con-flict: Rebuilding of States – International Law and the Restoration of Statehood] funded by the German Foundation for Peace Research (DSF), 2005, p. 296.

یک کشور به شناسایی وضعیتی که استمرار آن مغایر با قاعده آمره باشد به استناد ماده ۵۳ کنوانسیون وین در خصوص معاهدات باطل است؛ لذا چنانچه جدایی در وضعیتی باشد که به عنوان جبرانی برای جلوگیری از جنایات بین‌المللی نظیر نسل‌کشی باشد شناسایی آن نه تنها نامشروع نیست بلکه طبق ماده ۴۱ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسؤلیت بین‌المللی دولتها الزامی نیز هست.^{۹۵}

این دکترین نیز مطرح شده است که نامشروع بودن یک حکومت نباید تأثیری در روابط بین‌المللی کشورها از جمله شناسایی بگذارد و اعلامیه استقلال (به طور کلی) از سوی یک گروه جدایی طلب ساکن در آن سرزمین، عملی مربوط به امور داخلی است و کشورها حق تعیین مشروعیت و اعتباربخشی یا اعلام ابطال آن را ندارند.^{۹۶} در مسأله رودزیای جنوبی و در همین راستا، بعضی کشورهای غربی استدلال کردند که آیان اسمیت رئیس‌جمهور رودزیای جنوبی در راستای اعمال امتیازات بدست آمده از استعمارگر سابق (انگلستان) عمل کرده است و موضوع رودزیای جنوبی موضوعی است مربوط به امور داخلی آن کشور.^{۹۷} شورای امنیت در قطعنامه ۴۲۳ در همین رابطه «اعلام می‌کند هرگونه توافقات داخلی که تحت ساز و کار رژیم غیرقانونی به نتیجه رسیده است، غیر قانونی و غیرقابل پذیرش است و از کشورها می‌خواهد که چنین توافقاتی را به هیچ‌وجه شناسایی نکنند».^{۹۸} بنابراین از نظر شورا پیامدهای بین‌المللی یک عمل خلاف حقوق داخلی صرفاً مربوط به امور داخلی نمی‌شود و حداقل کشورها را موظف به عدم شناسایی چنین پیامدهایی (مانند اعلامیه استقلال نامشروع) می‌کند. در خصوص کوزوو این استدلال را نیز می‌توان الحاق نمود که قرار گرفتن وضعیت آینده کوزوو تحت نگرانیهای فصل هفتم منشور، این موضوع از امورات داخلی صربستان خارج شده است.^{۹۹} با صدور نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری این فرضیه که اعلامیه استقلال نامشروع بوده است، منتفی شد.

با اتخاذ دکترین بینابین برای شناسایی، مشکلی در ارتباط با تشتت شناسایی کشورها وجود نخواهد داشت. در واقع کوزوو در برابر کشورهای که مورد شناسایی قرار گرفته است از شخصیت حقوقی کامل برخوردار است و در برابر کشورهای که کوزوو را به رسمیت نشناخته‌اند

^{۹۵} اینکه در کوزوو نقض فاحش و مستمر حقوق بشر رخ داده یا خیر مسأله‌ای مورد اختلاف است. نک: مقتدر، هوشنگ، «مداخله انسان دوستانه: مورد کوزوو»، *مجله سیاست خارجی*، سال سیزدهم، ۱۳۷۹.

^{۹۶} این دکترین یادآور دکترین استرادا در خصوص شناسایی کشورهاست که در اینجا به شناسایی حکومتها تعمیم داده شده است.

See Christopher J. Borgen, *Kosovo's Declaration of Independence: Self-Determination, Secession and Recognition*, American Society of International Law, 2008, available at <<http://www.asil.org/insights/2008/02/insights080229.html>>

^{۹۷} Vera Gowland-Debbas, *op. cit.*, 1990, p. 188.

^{۹۸} Security Council Resolution 423, 1978.

^{۹۹} مقدمه قطعنامه ۱۲۴۴ شورای امنیت بیان می‌دارد «با تصمیم براینکه وضعیت در منطقه [کوزوو] موجب ادامه تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی می‌شود».

نیز تنها از شخصیت حقوقی عام برخوردار است. از اینرو عمل کشورهایایی که پس از اعلام استقلال کوزوو آن را شناسایی می‌کنند عطف بمسابق نمی‌شود حتی اگر کوزوو توانسته باشد از زمان اعلام استقلال تمام شرایط کشور بودن را اخذ کرده باشد.^{۱۰۰} در این حالت تنها حقوق و تکالیف عام‌الشمول کوزوو طبق قاعده «دولتهای در حال شکوفایی»^{۱۰۱} عطف بمسابق می‌شود. در صورتی می‌توان گفت که تمام اعمال کوزوو عطف بمسابق می‌شود که شناسایی کوزوو از سوی مرجعی قضایی بین‌المللی مورد پذیرش قرار گیرد^{۱۰۲} چرا که تنها در این حالت تفسیر صحیح از مرجعی صالح جایگزین تفاسیر «ذهنی» متعدد کشورها از معیارهای «عینی» تشکیل کشور کوزوو می‌شود. باید توجه داشت که این عطف تا زمانی برمی‌گردد که جدایی‌طلبان کوزوویی مبارزات خود را علیه دولت مرکزی به صورت سازمان‌یافته آغاز نمودند (یعنی سال ۱۹۹۷). همچنین باید توجه داشت تعهدات حقوقی پیش از کشور شدن کوزوو، در برابر ثالث، به عنوان «شورش‌ی جدایی‌طلب» مد نظر بوده است و مسئولیت بین‌المللی آن تا پیش از شناسایی کوزوو به عنوان کشور، در این چارچوب قابل طرح خواهد بود. بنابراین کشورهایایی که در زمان پس از کشور شدن کوزوو آن را شناسایی می‌کنند نمی‌توانند مثلاً به مصادره اموال اتباعشان توسط کوزوو پیش از شناسایی آن اعتراض کنند در حالی که می‌توانند به جنایات بین‌المللی ارتكابی توسط آنها به عنوان گروه جدایی‌طلب استناد کنند هرچند آن زمان آنها را شناسایی نکرده باشند.

جایگاه سازمان ملل متحد در شناسایی کوزوو نیز قابل تأمل است. همانطور که گفته شد عضویت کوزوو در سازمان ملل مانع از اختیار دول عضو در شناسایی یا عدم شناسایی کوزوو نمی‌شود. همچنین با وجود نظر اخیر دیوان بین‌المللی دادگستری در مشروعیت اعلام استقلال کوزوو بعید به نظر می‌رسد با احتمال الزام سازمان به عدم شناسایی کوزوو روبه‌رو باشیم. اما در صورتی که شناسایی کوزوو از سوی شورای امنیت سازمان ملل برای تمام اعضا الزامی گردد این سؤال مطرح خواهد شد که آیا شورای امنیت می‌تواند یکی از جلوه‌های حاکمیتی تمام جامعه بین‌المللی یعنی «حق بر شناسایی» را به طور موردی محدود نماید؟^{۱۰۳}

دوم. اوستیای جنوبی و آبخازیا: منطقه اوستیای جنوبی همیشه مورد ادعای حاکمیت

100. See Rebecca M.M. Wallace, *International Law*, p. 89.

101. *States in Statue Nascendi*

102. Ian Brownlie, *op. cit.*, p. 77.

^{۱۰۳} طرح سؤال مجمع عمومی در دیوان بین‌المللی دادگستری، در شصت و سومین اجلاس خود مبنی بر اینکه «آیا اعلامیه یکجانبه استقلال توسط نهادهای خودمختاری موقت کوزوو مطابق با حقوق بین‌الملل است؟» زمینه این احتمال را فراهم کرد که دیوان به این نتیجه برسد که کشورها ملزم به شناسایی کوزوو هستند که در این صورت این برای اولین بار بود که مرجعی بین‌المللی اعضا را ملزم به شناسایی یک کشور می‌کرد؛ اما با صدور نظر نهایی دیوان و اعلام اینکه مسأله شناسایی از صلاحیت دیوان خروج موضوعی دارد این فرصت نیز برای تحلیل حقوقی از دست رفت.

General Assembly Res. 63/3 (A/63/L.2), 7 October 2008.

گرجستان بوده است.^{۱۰۴} اوستیای جنوبی در پی یک رفراندوم در سال ۱۹۹۲ تمایل خود را برای الحاق به اوستیای شمالی در روسیه، اعلام کرده بود. این اعلامیه با عدم شناسایی کشورهای جهان روبه‌رو شد. پس از آن نیز در سال ۲۰۰۳ رفراندومی در اوستیای جنوبی و آبخازیا برگزار شد که اکثریت غریب به اتفاق ساکنین به جدایی این استانها رأی دادند که باز مورد شناسایی جامعه بین‌المللی قرار نگرفت. جنگ ۸ اوت ۲۰۰۸ موجب استقرار نیروهای نظامی روسیه در اوستیای جنوبی شد. در ۲۶ اوت، روسیه و پس از آن در ۳ سپتامبر، نیکاراگوئه استقلال اوستیای جنوبی و آبخازیا را شناسایی کردند.^{۱۰۵}

کشورهای غربی علی‌الخصوص امریکا استدلال می‌کنند که شناسایی اوستیای جنوبی و آبخازیا به عنوان کشور مستقل از سوی روسیه، نقض قطعنامه‌های قبلی شورای امنیت است^{۱۰۶} که وفق آن این دو منطقه تحت حاکمیت گرجستان شناخته شده بودند و از جمله روسیه نیز به این قطعنامه‌ها رأی مثبت داده بود^{۱۰۷} و نیز این شناسایی از سوی روسیه ناقض موافقتنامه آتش‌بس ۱۶ اوت ۲۰۰۶ میان روسیه و گرجستان است.^{۱۰۸} علاوه بر این، سازمان امنیت و همکاری در اروپا^{۱۰۹} بیان داشت که روسیه با شناسایی اوستیای جنوبی و آبخازیا، اصل ثبات در اروپا مذکور در اساسنامه این سازمان را نقض کرده است. نماینده وزارت امور خارجه گرجستان نیز شناسایی روسیه را «ضمیمه‌سازی»^{۱۱۰} آشکار نامید. پس از آن در اقدامی نادر پارلمان سازمان شورای اروپا تصمیمی صادر کرد که طبق آن اوستیای جنوبی و آبخازیا را به عنوان کشور مستقل به رسمیت نمی‌شناسد.^{۱۱۱} علت شاذ بودن این اقدام این است که کمتر موردی پیدا می‌شود که یک سازمان بین‌المللی عدم شناسایی خود را اعلام کند.^{۱۱۲} هرچند عکس آن مشاهده شده است. چنانچه اتحادیه اروپا استقلال کوزوو را به رسمیت شناخته بود. علاوه بر این استدلال شده است که بر

104. Mick ter Reehorst, *The recognition of South Ossetia and Abkhazia by the Russian Federation*, Research report, LEMUN, 2008.

105. President Dmitry Medvedev, Statement, Aug. 26, 2008, available at http://www.kremlin.ru/eng/text/speeches/2008/08/26/1543_type82912_205752.shtml. and Nicaragua Recognizes South Ossetia and Abkhazia, Reuters, Sept. 3, 2008, available at <http://www.reuters.com/article/gc07/idUSN0330438620080903>.

106. SC Res. 858, 24 August 1993, SC Res. 934, 30 June 1994, SC Res. 1808, 15 April 2008.

107. White House News Release, President Bush Condemns Actions Taken by Russian President in Regards to Georgia (Aug. 26, 2008) (footnote omitted), Available at: <http://georgewbushwhitehouse.archives.gov/news/releases/2008/08/20080826-2.html>

لازم به ذکر است چنانچه روسیه هم به این قطعنامه‌ها رأی نداد بود باز از مجرای ماده ۲۵ منشور مکلف به احترام به مفاد آنها بود. تفاوت این قطعنامه‌ها با قطعنامه ۱۲۴۴ (آخرین قطعنامه صادره در خصوص کوزوو) در این است که وضعیت کوزوو در قطعنامه اخیر مبهم باقی ماند در حالی که وضعیت اوستیای جنوبی و آبخازیا طبق دیگر قطعنامه‌ها صریحاً مشخص گردید.

108. White House News Release, President Bush Condemns Actions Taken by Russian President in Regards to Georgia (Aug. 26, 2008) (footnote omitted), Available at: <http://georgewbushwhitehouse.archives.gov/news/releases/2008/08/20080826-2.html>.

109. OSCE

110. annexation

111. Parliamentary Assembly of the Council of Europe Res. 1647, 28 January 2009.

112. Angelika Nußberger, "The War between Russia and Georgia – Consequences and Unresolved Questions", *Göttingen Journal of International Law*, Vol. 1, No. 2, 2009, p. 343.

خلاف اوستیای جنوبی، مردم آبخازیا نه قربانی نقض حقوق بشر قرار گرفته‌اند و نه گرجستان جنگی را در آنجا آغاز نمود.^{۱۱۳}

باید توجه داشت رأی مثبت روسیه در شورای امنیت، موافقتنامه آتش‌بس با گرجستان، اصول سازمان امنیت و همکاری برای اروپا و اصول سازمان ملل متحد نمی‌تواند شناسایی بعدی روسیه را ناموجه سازد چرا که آنچه شناسایی یک موجودیت را به عنوان یک کشور مستقل نامشروع می‌سازد عدم احراز حاکمیت در سرزمین آن است. در حالی که کوزوو حاکمیتش را به کمک نیروهای بین‌المللی کسب کرده، اوستیای جنوبی و آبخازیا حاکمیت خود را از طریق مداخله نظامی خارجی کسب کرده است.^{۱۱۴} مشروعیت حکومت آنها نیز منوط به مشروعیت جدایی در حقوق بین‌الملل و در صورت مشروعیت جدایی، استحقاق این سه موجودیت برای جدایی خواهد بود.^{۱۱۵}

می‌دانیم که شناسایی حکومت فرع بر شناسایی کشور است. باید توجه داشت در مرحله اول یعنی شناسایی اوستیای جنوبی و آبخازیا به عنوان دو کشور مستقل با ایراد مواجه است چرا که تا زمان حضور نیروهای ائتلافی، بین‌المللی و روسی در این مناطق احراز حاکمیت مؤثر از سوی این دو منطقه مورد سؤال است. این مشکل در خصوص کوزوو کم‌رنگ‌تر است چرا که اولاً در کوزوو تنها نیروهای بین‌المللی مستقرند ثانیاً طبق قطعنامه ۱۲۴۴ شورای امنیت یونامیک موظف به انتقال حاکمیت به نهادهای خودمختار کوزوویی شده بود. باید توجه داشت بررسی دقیق تمام این مسائل کاری است که جز مرجعی صالح قادر به پاسخ‌گویی به آنها نیست. از اینرو چنانچه علی‌الظاهر حاکمیت مؤثر و مستقل اوستیای جنوبی و آبخازیا احراز شود و جدایی در خصوص آنها مشروع تلقی شود^{۱۱۶} شناسایی آنها به عنوان کشور و صاحب حکومت، قانونی و مشروع خواهد بود اما اگر علی‌الظاهر حاکمیتی کشف نشود و جدایی نیز در خصوص آنها قابل اعمال تلقی نشود شناسایی آنها غیرقانونی خواهد بود.^{۱۱۷}

^{۱۱۳} Peter W. Schulze, "Geopolitics at Work: the Georgian-Russian Conflict", *Göttingen Journal of International Law*, Vol. 1, No. 2, 2009, p. 331.

^{۱۱۴} این مدل یادآور لشکرکشی نظامی ترکیه به قبرس برای ایجاد کشور ترکهای قبرس شمالی است که مورد حمایت جامعه بین‌المللی قرار نگرفت.

^{۱۱۵} استدلال شده که اثبات استحقاق آبخازیا برای جدایی سهل‌تر از اثبات آن برای اوستیای جنوبی است.

ngelika Nußberger, *op. cit.*, p. 360.

^{۱۱۶} گفته می‌شود که فجایع انسانی در کوزوو قابل قیاس با نقضهای موردی در اوستیای جنوبی و آبخازیا نیست.

Sally McNamara, *Russia's Recognition of Independence for South Ossetia and Abkhazia Is Illegitimate: They Are Not Kosovo*, Produced by The Margaret Thatcher Center for Freedom, Published by The Heritage Foundation, No. 2037, 2008. Available at <http://www.heritage.org/Research/Europe/wm2037.cfm>

^{۱۱۷} این احتمال مطرح شده است که روسیه با این اقدام خود عرف از قبل موجود در قلمروی شوروی سابق و به عبارتی بلوک کمونیست که طبق آن فقط ایالات امکان جدایی دارند را تغییر داده است و لذا صرف اخذ حاکمیت از سوی یک واحد سیاسی برای جدایی و شناسایی کفایت می‌کند.

Gregory Dubinsky, "The Exceptions That Disprove The Rule? The Impact Of Abkhazia And South

با اتخاذ رویکرد بینابین به شناسایی، شناسایی اوستیای جنوبی و آبخازیا تنها از سوی دو کشور یعنی روسیه و نیکاراگوئه نمی‌تواند تأثیری در کشور بودن یا نبودن آنها گذارد چرا که طبق این دکترین وضعیت هر موجودیت نسبت به کشور مربوطه در نظر گرفته می‌شود و فی‌الجمله در صورت احراز حاکمیت مؤثر توسط نیروهای اوستیایی و آبخازیایی، این دو موجودیت در برابر روسیه و نیکاراگوئه، کشور و دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی کامل تلقی خواهند شد؛ هرچند در برابر دیگر کشورها به عنوان شورشیانی جدایی‌طلب و یا تنها آشوبگر (که شرایط مربوط به شورشیان را کسب نکرده‌اند) شناخته شوند.

شناسایی این موجودیتها توسط سازمانهای بین‌المللی یا عضویت آنها در سازمانهایی که کشور بودن را پیش شرط خود قرار داده‌اند نیز تنها به معنای احراز شرایط عینی تشکیل کشور از نظر آن سازمان خواهد و الزامی برای اعضا جهت شناسایی ایجاد نمی‌کند.^{۱۱۸}

جمع‌بندی: شناسایی کوزوو گامی به جلو، شناسایی اوستیای جنوبی و آبخازیا گامی به عقب

در جامعه بین‌المللی بازیگران متعددی با یکدیگر ارتباط دارند. حقوق و تکالیف هر یک از این تابعان متفاوت است.^{۱۱۹} از اینرو پیش از هر چیز باید به ماهیت تابع یا موضوع مورد بحث توجه نمود. اولین و قدیمی‌ترین تابع حقوق بین‌الملل کشورها هستند. این اتباع به نحوی در نظام حقوق بین‌الملل شناخته می‌شوند که افراد در نظام حقوق داخلی. اما با این حال وجود شخصیت حقوقی بین‌المللی مبتنی بر فرضی اولیه و بدیهی نیست.^{۱۲۰} در حقوق عرفی و موضوعه و دکترین شرایطی برای کشور بودن یک موجودیت بیان شده است. شناسایی به عنوان یکی از تأسیسات حقوق بین‌الملل در این میان جایگاه نامشخصی داشته است. این نوسان در حدی است که برخی آن را صرفاً واژه‌ای سیاسی می‌دانند و برخی از عناصر متشکله دولت. در این نوشتار سعی گردید به جایگاه واقعی نهاد شناسایی در حقوق بین‌الملل گوشه‌نظری انداخته شود تا با ارائه بسته‌ای منطقی

Ossetia On Exceptions To The Sovereignty Principle", *Yale Journal of International Law*, no. 34, p. 242.

^{۱۱۸} مگر اینکه از باب دستور باشد مانند تصمیم شورای امنیت طبق ماده ۳۹ منشور ملل متحد. بعید است شناسایی یک وضعیت مطابق با قاعده آمره، موضوع فصل هفتم قرار بگیرد هرچند عدم شناسایی وضعیت مغایر قاعده آمره موضوع این فصل قرار گرفته است.

See Security Council Resolution 423, 1978.

^{۱۱۹} نک: نگوین کک دین و دیگران، حقوق بین‌الملل عمومی، جلد اول، ترجمه حسن حبیبی، نشر اطلاعات، ۱۳۸۲، ص ۵۰.

^{۱۲۰} W. Friedmann, *The Changing Structure of International Law*, Columbia University Press, 1967, p. 289.

به نقل از سیدقاسم زمانی، حقوق سازمانهای بین‌المللی: شخصیت، مسئولیت، مصونیت، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، چاپ چهارم، ۱۳۸۷، ص ۲۷.

به تحولات اخیر جامعه بین‌المللی در ارتباط با شناسایی نیز پرداخته شود.

نگرانیهایی مانند تعداد لازم کشورهای شناسایی‌کننده و پراکنش جغرافیایی قابل قبول کشورهای شناسایی‌کننده از یک سو و فقدان قدرتی فائق در سطح بین‌المللی برای اعلام تشکیل کشور جدید از سوی دیگر، در چارچوب دکترین ارائه شده تحت عنوان «رویکرد بینابین به شناسایی» قابل حل است. لذا رویکرد اطلاق‌گرایانه مبنی بر اینکه یک موجودیت یا کشور هست یا نیست، وجود نخواهد داشت بلکه رویکردی طیف‌گونه مبنی بر اینکه یک موجودیت در قبال یک کشور، کشور خواهد بود و در قبال یک کشور دیگر موجودیتی جدایی‌طلب، را شاهد خواهیم بود. برای شناسایی مشروع کوزوو، اوستیای جنوبی و آبخازیا به عنوان یک «کشور» لازم است حاکمیت مؤثر آنها به طور علی‌الظاهر احراز شوند و برای شناسایی «حکومت» آنها باید استحقاق آنها را برای جدایی و متعاقباً مشروعیت حکومت آنها را کشف نمود.

تفاوت مهم در شناسایی این سه موجودیت به عنوان کشور مستقل در این است که کوزوو با در دست داشتن حاکمیت انتقالی از سوی یونامیک، شرایط تشکیل کشور را به طور کامل کسب کرده است و عدم شناسایی تمام جامعه بین‌المللی از آن به عنوان کشور، کوزوو را تبدیل به مفهوم «شبه‌کشور» در حقوق بین‌الملل می‌کند.^{۱۲۱} با این حال مشروعیت شناسایی کوزوو به عنوان کشور به معنای مشروعیت شناسایی حکومت آن نخواهد بود و این مسأله‌ای است که به مشروعیت جدایی در حقوق بین‌الملل برمی‌گردد. برعکس، حاکمیت اوستیای جنوبی با پشتوانه کمکهای خارجی به حیات خود ادامه می‌دهد که نه تنها منطقاً مستقلاً تلقی نمی‌شود بلکه رویه دولتها در قبال جدایی ترکهای قبرس شمالی، الحاق حبشه به ایتالیا و جدایی بنگلادش در اوایل، که وضعیتی مشابه داشتند نیز به عدم شناسایی حاکمیت‌های متکی به کمکهای خارجی دلالت دارد.^{۱۲۲} اما در خصوص آبخازیا این مسأله متفاوت است. چرا که آبخازیا در دوران متوالی نسبت به کشور میزبان خود از وضعیت اقتصادی و انسجام بهتری برخوردار بوده است.^{۱۲۳} اما در هر صورت در حال حاضر اعمال حاکمیت در آبخازیا با نیروهای روسی پیوند خورده است. با این حال این احتمال وجود دارد که تا قبل از حضور نیروهای خارجی در این مناطق، اوستیای جنوبی و آبخازیا را نیز از مصادیق مفهوم «شبه‌کشور» بدانیم.^{۱۲۴} همچنین ادعا شده که چون اوستیای جنوبی و آبخازیا مورد شناسایی بین‌المللی قرار نگرفته‌اند وضعیت آنها وضعیت تحت حمایت روسیه^{۱۲۵}

121. Michael Rywkin, *The Phenomenon of Quasi-states*, Diogenes, Nom. 53, 2006, p. 23. Available at: <http://dio.sagepub.com/cgi/content/abstract/53/2/23>, Jochen ABR. Frowein, Non-Recognition, in: R. Bernhardt (ed), *Encyclopedia of Public International Law*, Vol 10, p. 314.

121. Ian Brownlie, *op. cit.*, p. 93

^{۱۲۲} استدلال شده است که طبیعی است که گروه شورشی و جدایی طلب در مقایسه با دولت مرکزی از توان

کمتری برخوردارند و عموماً بدون عدم مداخله خارجی، امکان موفقیت گروه جدایی طلب بسیار کم خواهد

بود لذا طبیعی است که جدایی طلبان با کمک خارجیان مستقل شوند، نک: سنار عزیز، پیشین، ص ۲۷.

123. Pål Kolstø, *op. cit.*, p. 728.

124. Michael Rywkin, *op. cit.*

125. Russian Protectorate

است^{۱۲۶} که مفهومی فی‌مابین کشور بودن و نبودن است و متفاوت از وضعیت سرزمین بین‌المللی شده^{۱۲۷} است.

با اتخاذ رویکرد بینابین و تفکیک میان معیار شناسایی برای کشور و معیار شناسایی برای حکومت، تفاوت میان این مفاهیم از اهمیت چندانی برخوردار نیست؛ چرا که در صورت احراز حاکمیت مؤثر مستقل برای این مناطق می‌توان آنها را به عنوان «کشور» مورد شناسایی قرار داد که این شناسایی نیز لازم نیست از سوی تمام جامعه بین‌المللی باشد بلکه شناساییها به طور «دو به دو» بررسی می‌شود. لیکن همانطور که گفته شد شناسایی «حکومت» این دو موجودیت بستگی به مشروعیت جدایی در حقوق بین‌الملل خواهد داشت.

ثمره این بحث این خواهد بود که شناسایی کوزوو به عنوان «کشور» از سوی کشورها و سازمانهای بین‌المللی به علت کسب علی‌الظاهر شرایط تشکیل کشور قانونی و مشروع است اما شناسایی اوستیای جنوبی و آبخازیا به عنوان «کشور» از سوی کشورها و سازمانهای بین‌المللی به علت عدم کسب علی‌الظاهر شرط حاکمیت مؤثر «مستقل»، غیرقانونی و نامشروع خواهد بود از این جهت شناسایی کوزوو از سوی بسیاری از کشورها را گامی در راستای تثبیت حقوق بین‌الملل موجود میدانیم و شناسایی اوستیای جنوبی و آبخازیا را از سوی روسیه و نیکاراگوئه بازگشتی به سمت حقوق بین‌الملل کلاسیک. لیکن در هر صورت شناسایی «حکومت»های کوزوو، اوستیای جنوبی و آبخازیا بستگی به مشروعیت جدایی در حقوق بین‌الملل خواهد داشت.

فهرست منابع و مآخذ

- بارین چهاربخش، ویکتور، «شناسایی و جایگاه آن در حقوق بین‌الملل اسلامی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۶۹.
- زمانی، سیدقاسم، حقوق سازمانهای بین‌المللی: شخصیت، مسئولیت، مصونیت، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، چاپ چهارم، ۱۳۸۷.
- سیفی، سیدجمال، «تحولات مفهوم حاکمیت دولتها در پرتوی اصل حق تعیین سرنوشت ملتها»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۷-۱۵، ۱۳۷۴-۱۳۷۳.
- شاو، ملکم، حقوق بین‌الملل، ترجمه محمدحسین وقار، نشر اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- شایگان، فریده، شورای امنیت سازمان ملل متحد و مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی، نشر دانشگاه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۵.
- ضیائی، سیداسر، «استقلال کوزوو از منظر حقوق بین‌الملل»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبایی، سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶.
- عبداللهی، محسن و میرشهبیز شافع، مصونیت قضایی دولت در حقوق بین‌الملل، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور، نشر معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، چاپ اول، ۱۳۸۲.

^{126.} Peter W. Schulze, *op. cit.*, p. 331.

^{127.} internationalized territory

عزیزی، ستار، «استقلال کوزوو: بررسی مشروعیت جدایی یکجانبه در حقوق بین‌الملل»، *مجله حقوقی*، شماره ۳۸، سال ۱۳۸۷.

کاسسه، آنتونیو، *حقوق بین‌الملل*، ترجمه حسین شریفی طرازکوهی، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۵.
کک دین، نگوین و دیگران، *حقوق بین‌الملل عمومی*، جلد اول، ترجمه حسن حبیبی، نشر اطلاعات، ۱۳۸۲، ص ۵۰.
ممتاز، جمشید و امیرحسین رنجبریان، *حقوق بین‌الملل بشردوستانه: مخصصات مسلحانه داخلی*، نشر میزان، چاپ سوم، ۱۳۸۷.

هوشنگ، مقتدر، «مداخله انسان دوستانه: مورد کوزوو»، *مجله سیاست خارجی*، سال سیزدهم، ۱۳۷۹.
ولی‌الله ملک‌شاه، حبیب‌اله و احمد جعفری، *ریشه‌های بحران کوزوو و دخالت نظامی ناتو*، نشر وزارت امور خارجه، چاپ اول، ۱۳۸۰.

Aljaghoub Mahasen M., "The International Court of Justice's Advisory Opinion on Kosovo's Declaration of Independence: Could it be the Court's second non-liquet?", *European Journal of Social Sciences*, Volume 15, Number 1 (2010).

Almqvist, Jessica, *The Politics of Recognition: Kosovo and International Law*, Document de Drabajo, Working Paper, 2009, Available at www.realinstitutoelcano.org

Anthony, T. J., F. Quan, "Respeto I Taotao Tano: The Recognition and Establishment of the Self-Determination and Sovereign Rights of the Indigenous Chamorros of Guam Under International Law, Federal and Local law", *Asian-Pacific Law and Policy Journal*, 2002.

Berry Gray, Christopher, *The Philosophy of Law*, vol. II.

Binder, Guyora, "The Kaplan lecture on human rights: the case for self-determination", 29 *Stanford Journal of International Law*, no. 223, 1993.

Blix, H.M., "Contemporary Aspects of Recognition", *ACADI*, Vol. 130, 1970.

Borgen, Christopher J., *Kosovo's Declaration of Independence: Self-Determination, Secession and Recognition*, American Society of International Law, 2008, available at <http://www.asil.org/insights/2008/02/insights080229.html>

Bridget L. Coggins, *Secession, Recognition and The International Politics of Statehood*, The Ohio State University, 2006.

Brietzke, Paul H., "Insurgents in the 'New' International Law", *Wisconsin International Law Journal*, no. 13, 1994

Brownlie, Ian, *Principles of Public International Law*, New York, Clarendon Press, 1998.

Caplan, Richard, *Europe and the Recognition of New States in Yugoslavia*, UK: Cambridge University Press, 2005.

Carty, Anthony, *Philosophy of International Law*, Edinburgh University Press, 2007.

Cassese, Antonio, *International Law*, Oxford University Press, 2003.

Chiangchen, Ti, *The International Law of Recognition*, Stevens and Sons Limited, 1951.

Cia. Minera Ygnacio Rodríguez Ramos, S.A. v. Bartlesville Zinc Co. (1925, Tex.) 275 S.W. 388. (Mexico), Williams v. Bruffy (1877) 96 U.S. 176, 186 (United States), Russian Reinsurance Co. v. Stoddard (1925) 240 N.Y. 149, 147 N.E. 703; (Russia).

Coppieters, Bruni, *Kosovo and the Principles of Just Secession*, Center for European Policy Studies, no. 146, 2007, Electronic copy available at: <http://ssrn.com/abstract=1334073>

Craven, Greg, "The Quebec Secession Reference: The Law Of Politics Or The Politics Of Law?", *Murdoch University Electronic Journal of Law*, vol. 6, no. 1, 1999.

Cyprus v. Turkey, Judgment of 10 May 2001

Drew, Catriona "The criteria for statehood in international law are based on the principle of effectiveness not legitimacy", *Centre for International Studies and Diplomacy*, 2003.

Dubinsky, Gregory, "The Exceptions That Disprove The Rule? The Impact Of Abkhazia And South Ossetia On Exceptions To The Sovereignty Principle", *Yale Journal of International Law*, no. 34

Fawcett, J.E.S., *The Law of Nations*, Harmonds Worth, Middlesex, Penguin Books, 1971.

Friedmann, W., *The Changing Structure of International Law*, Columbia University Press, 1967.

General Assembly Resolution 1514 (1960).

General Assembly Resolution 1541 (1960).

General Assembly Resolution 2526 (1970).

General Assembly Resolution 2625 (XXV), 1970.

General Assembly Resolution 3314 (XXIX), 1975.

General Assembly Resolution 63/3 (A/63/L.2), 7 October 2008.

Gowland-Debbas, Vera, *Collective Response to Illegal Acts in International Law: United Nations Action in the Question of Southern Rhodesia*, Matinus Nijhoff Publishers, 1990.

Harris, A.W., *Human Rights and the Mediation of Insurgent Conflict*, Prepared for presentation at the 46th Annual Conference of the International Studies Association, San Francisco, CA, March 26-30, 2008.

Heintze, Hans-Joachim, *Contradictory Principles in the Helsinki Final Act?: The Right of Peoples to Self-*

- Determination versus the Territorial Integrity of States*, "Post-Conflict: Rebuilding of States – Völkerrechtliche Aspekte der Wiederherstellung von Staatlichkeit" [Post-Con-flict: Rebuilding of States – International Law and the Restoration of Statehood] funded by the German Foundation for Peace Research (DSF), 2005.
<http://www.kosovothanksyou.com/>
- ICJ Report* 1962, Case Concerning the Temple of Preah Vihear.
- ICJ Report* 1994, Case Concerning the Territorial Dispute.
- ICJ Reports* 1949, Corfu Channel Case.
- ICJ Reports* 1951, Reservation to the Genocide Convention Advisory Opinion.
- ICJ Reports* 1970, Barcelona Traction, Light and Power Company Ltd, Second phase.
- ICJ Reports* 1971, The Case Concerning South Africa in Namibia, Advisory Opinion.
- ICJ Reports* 1975, The Case Concerning West Sahara, Advisory Opinion.
- ICJ Reports* 1991, Maritime Delimitation and Territorial Questions between Qatar and Bahrain (Qatar v. Bahrain)
- ICJ Reports* 1995, The Case Concerning East Timor.
- ICJ Reports* 1996, Kasikili/Sedudu Island (Botswana/Namibia)
- ICJ Reports* 1998, Request for Interpretation of the Judgment of 11 June 1998 in the Case concerning the Land and Maritime Boundary between Cameroon and Nigeria (Cameroon v. Nigeria) 1998, Preliminary Objections (Nigeria v. Cameroon)
- ICJ Reports* 2003, Sovereignty over Pedra Branca/Pulau Batu Puteh, Middle Rocks and South Ledge (Malaysia/Singapore)
- ICJ Reports* 2010, Case Accordance with international law of the unilateral declaration of independence in respect of Kosovo (Request for Advisory Opinion) - Advisory Opinion - Advisory Opinion of 22 July 2010.
- ICJ Reports*, 1975, Western Sahara, Advisory Opinion.
- International Law Commission, *The Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, 2001*.
- International Law Commission's Comments on Article 53 of Vienna Convention on Treaty law.
- Jones, J. Mervyn, *The Retroactive Effect of the Recognition of State and Governments*, Whewell Scholar of International Law in the University of Cambridge, 1935.
- Kohen, Marcelo, *Secession: International Law Perspectives*, Cambridge University Press, 2006.
- Kolstø, Pål, "The Sustainability and Future of Unrecognized Quasi-States", *Journal of Peace Research*, vol. 43, no. 6, 2006. Available at: <http://jpr.sagepub.com/cgi/content/abstract/43/6/723>
- Loizido v. Turkey, Merits, *ECHR Rep. 1996*
- Macklem, Patrick, "Indigenous Recognition in International Law: Theoretical Observations", *Michigan Journal of International Law*, no. 30, 2008
- McNamara, Sally, *Russia's Recognition of Independence for South Ossetia and Abkhazia Is Illegitimate: They Are Not Kosovo*. Produced by The Margaret Thatcher Center for Freedom, Published by The Heritage Foundation, No. 2037, 2008. Available at <http://www.heritage.org/Research/Europe/wm2037.cfm>
- Medvedev, President Dmitry, Statement, Aug. 26, 2008, available at: http://www.kremlin.ru/eng/text/speeches/2008/08/26/1543_type82912_205752.shtml.
- Mei-Ling, Chang, *State Sovereignty as Social Construct: A case study of Kosovo's pursuit of independence*, SGIA Research Working Papers Series, Durham University, 2008.
- Montevideo Convention, Signed 26 December 1933, Hudson, art. 3.
- Nicaragua Recognizes South Ossetia and Abkhazia, Reuters, Sept. 3, 2008, available at <http://www.reuters.com/article/gc07/idUSN0330438620080903>.
- Nußberger, Angelika, "The War between Russia and Georgia – Consequences and Unresolved Questions", *Göttingen Journal of International Law*, Vol. 1, No. 2, 2009.
- Parliamentary Assembly of the Council of Europe Res. 1647, 28 January 2009.
- Pavković, Aleksandar and Peter Radan, "In Pursuit of Sovereignty and Self-Determination: Peoples, States And Secession In The International Order", *Macquarie Law Journal*, no. 1, 2003
- Pavković, Aleksandar and Peter Radan, *Violent and Non-Violent Secessions in The Contemporary World: Their Causes, Justifications and Legality*, Ashgate Publishing, 2007
- Pavković, Aleksandar, Secession, Majority Rule and Equal Rights: a Few Questions, *Macquarie Law Journal*, no. 5, 2003.
- Quereshi v. USSR [1981] Pakistani Supreme Court, *I.L.M.*, 1981, vol. 33.
- Raic, David, *Statehood and the Law of Self-Determination*, Kluwer Law International, 2002.
- Rebecca M.M. Wallace, *International Law*, London, Sweet & Maxwell, 5th ed., 2005.
- Reehorst, Mick ter, *The recognition of South Ossetia and Abkhazia by the Russian Federation*, Research report, LEMUN, 2008.
- Roth, Brad R., *Governmental Illegitimacy in International Law*, Oxford University Press, 2000.
- Rywin, Michael, *The Phenomenon of Quasi-states*, Diogenes, Nom. 53, 2006, Available at: <http://dio.sagepub.com/cgi/content/abstract/53/2/23>, Jochen ABR. Frowein, Non-Recognition, in: R. Bernhardt (ed), *Encyclopedia of Public International Law*, Vol 10.
- Schulze, Peter W., "Geopolitics at Work: the Georgian-Russian Conflict", *Göttingen Journal of International Law*, Vol. 1, No. 2, 2009.

- Security Council Resolution 216, 1965.
 Security Council Resolution 423, 1978.
 Security Council Resolution 423, 1978.
 Security Council Resolution 858, 24 August 1993.
 Security Council Resolution 934, 30 June 1994.
 Security Council Resolution 1244, 1999.
 Security Council Resolution 1808, 15 April 2008.
 Security Council Resolutions 146 (1960); 161 (1961); 541 (1983); 550 (1984); 269 (1969); 1244 (1999); 6158th Meeting SC/9700 (2009).
 Sellers, Mortimer, *The New world order: sovereignty, human rights, and the self-determination of peoples*, Oxford, 1996.
 Summery of Chatham House International Law Discussion Group, meeting held on 22 April 2008, *Kosovo: International law and Recognition*, Available at: www.chathamhouse.org.uk
 Supreme Court of Canada, Reference Re Secession of Quebec, 20 August, 19; Mikulas Fabry, *Secession and State Recognition in International Relations and Law*, Paper to be presented at the APSA Annual Convention, Chicago, Aug. 30 - Sep. 2, 2007.
 Talmon, Stefan, *Who Is a Legitimate Government in Exile? Towards Normative Criteria for Governmental Legitimacy in International Law*, in Guy S. Goodwin-Gill and Stefan Talmon, Oxford University Press, 1999.
 The Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts
 Turns, David, "The Stimson Doctrine of Non-Recognition: Its Historical Genesis and Influence on Contemporary International Law", *Chinese Journal of International Law*, no. 105, 2008.
 Wall, Andru E., *Legal and Ethical Lessons of NATO's Kosovo Campaign*, Naval War College, 2002.
 Warner, Richard, "Adjudication and Legal Reasoning", in Martin P. Golding and William A. Edmundson, *The Blackwell Guide to the Philosophy of Law and Legal Theory*, Blackwell Publishing, 2005.
 White House News Release, President Bush Condemns Actions Taken by Russian President in Regards to Georgia (Aug. 26, 2008) (footnote omitted), Available at: <http://georgewbushwhitehouse.archives.gov/news/releases/2008/08/20080826-2.html>



JOURNAL OF

LEGAL RESEARCH

VOL. IX, No. 1

2010-1

Articles

Claim Description in the Law and Judicial Practice • Fundamental Principles of UNCITRAL Electronic Communications Convention • Social Security Components in Criminal Laws • Recognition in International Law: Legal Effects of Recognition of Kosovo, South Ossetia and Abkhazia • Principles of Conflict of Evidences • The Effects of the International Criminal Law in the Middle-East; from the Saddam's Trial to the Hariri's Accused Prosecution

Special Issue: The Stock Exchange (Some Considerations on the Law of Iran and other Countries)

Fundamentals of Obligation for Providing Information to Stock Exchange • Comparative Study of Prohibitions of Insider in Securities Dealing in E.U., English, French and Iranian Laws • Some Considerations on the Offense of Insider Trading • Combating the Securities Fraud in the Stock Exchange (The Case of the U.S.) • Some Considerations on Judgments about the Insider Trading in the Stock Exchange • The Stock Broker Liability and the Process of Bringing the Case before the Proper Forum • The Liability of Brokers for the Unauthorized Transaction of Securities in the Approach of Arbitration Board • Sukuk's Rule in Financing the Projects and its Rules and Regulations • Arbitration of Disputes in Commercial Paper Market • The Nature and the Jurisdictions of the Board of Arbitration of the Stock Exchange • The Rules Governing the Formation of Public Joint-Stock Companies in light of the Securities Market Act • Legal Consequences of Iran's Accession to WTO on Securities Service • Cross-Border Stock Exchange Mergers: an Illusion or a Reality?

Critique and Presentation

Some Considerations on the "ICJ's Kosovo Advisory Opinion" • Considerations on the Concept of the 'Aggression' in the Review Conference of the Statute of International Criminal Court • Some Critics on the Modern Law of Compulsory Insurance of the Owners of Vehicles 2008 • The Non-Traditional Trademarks • Resolution 1929 of the Security Council: The Challenges of the Power and the Right in a Divided World • The 6th Round of the Moot Court Simulation of the International Criminal Court's Session (2010 Summer and Autumn)

ISSN: 1682-9220



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law

Research & Study